



A Critical Analysis of Qajar Popular Culture, and Theo-political Discourse as Reflected in the Narrative Tile Paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh

Samaneh Seraj,¹ Seyed Reza Hosseini,²

1- PhD Student, Faculty of Art Research, Department of Art, Shahed University, Tehran, Iran.
2-Associate Professor, Department of Art, Shahed University, Tehran, Iran, (Corresponding author).

Abstract

Introduction: Religion has had a significant impact on the Qajar cultural sphere, influencing social structure, cultural discourse, and ideological policies. The primary outcome of this theoretical-political framework is to validate the culture of everyday life, to establish the notion of bio-social, cultural representation, and daily activities, and to structure cognitive processes and cultural conduct. This research examines the theological nature of the tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh and their emphasis on the teachings of Shiism, particularly the principle of Velayat al-Faqih. The focus is on Shiite narrative tile paintings as a form of discourse, specifically within the context of theo-politics. Cultural policy is a combination of actions, values, norms and principles that are adopted in a thoughtful way to guide and monitor cultural actions in a specific society by the agents of the society. Scholars, as religious agents, promoted a kind of religious cultural policy in the popular culture in order to set an example. The goal of the cultural policy of scholars for the Qajar bio-culture was to set a cultural pattern. One of the dimensions of these cultural policies is the religious policies of the popular culture which represents a religiously oriented form of popular culture policy. The critical analysis of religious politics for the Qajar folk culture and its effect on the tile painting of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh is the most important issue of this research. This analysis deals with a discourse situation. This is termed a discourse because both the religious politics of popular culture and the tile representations of popular culture, in terms of their nature and social mechanisms, acquire social orientation and form. To fully understand the relationship between religious discourse and popular culture in Iran during the Qajar era, it is important to examine the impact of planned interventions on the organized guidance of this religious discourse.

Purposes & Questions: The aim of this research is an examination of the relationship between theo-politics and popular culture in the tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh, with an emphasis on comprehending the language of theo-politics and the role of popular culture in these artworks. The research questions are: 1. How does the theo-political character reflect the Qajar popular culture in the tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh? 2. What are the primary discursive politics in the narrative tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh within the theo-political framework of Qajar popular culture?



► Received:
2025-02-22
► Final revision:
2025-05-31
► Accepted:
2025-05-31
► Early online access:
2025-05-31
► Published:
2025-10-01

►1
Email:
samaneh.seraj@shahed.ac.ir
►2
Email:
rz.hosseini@shahed.ac.ir

Abstract

►Negareh
► Autumn 2025 - NO 75



Methods: The descriptive-analytical method relies on the rigorous examination and interpretation of data through critical content analysis. The instruments used for data collection include note-taking, observation, and a new search tools. The study sample comprises 25 tile paintings with religious motifs that are associated with Mo'aven-ol-Molk Tekyeh. These paintings were deliberately selected to effectively address the research questions. The data analysis technique relies on critical discourse analysis and is grounded in Fairclough's three-dimensional perspectives.

Findings & Results: This study necessitated the development of sociolinguistic interpretive tools grounded in Fairclough's theory. Additionally, it benefited from Fairclough's theoretical framework and practical instructions, which enabled the identification of the inherent inconsistencies within the text. The study's findings indicate that the popular culture embodies religious policies that may be seen from two different angles. Initially, he replicated the cultural practice of reproducing religious actions on the tiles, along with the strategy responsible for overseeing this practice. This historical phenomenon remains evident in the opinions of scholars depicted in the tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh. The theo-policies of the Constitutional period have been replicated as a means of expressing identity and cultural opposition. This process manifests as a form of visual cultural discourse. The cultural discourses represented in the Mo'aven-ol-Molk Tekyeh serve as a prominent form of popular media. The religious tile paintings of Mo'aven-ol-Molk Tekyeh possess a distinctly social dimension, operating as vehicles of visual cultural discourse. This encompasses totalism, with a focus on the authority of intellectuals as religious agents, jurisprudential fundamentalism, and theological orientation. This cultural discourse is rooted in the prevalent social and legal policies that focus on the dissemination of religious teachings and speeches among the Iranian populace. It is also characterized by a strong emphasis on constructing religious identity – particularly within the Shi'i cultural framework – through practices such as mourning and commemoration of the Imams, and by acknowledging the influential role of religious scholars in shaping popular culture. Additionally, this discourse is associated with cultural resistance. Opponents of Western discourse identified a social niche in which Western-influenced traits were being reproduced and integrated into the structured framework of society. This trend is marked by an increasing emphasis on religious themes within popular culture, alongside the depiction of prominent activists who highlighted the intellectuals of the Constitutional period in politically charged tile paintings.

Keywords: Critical discourse analysis, Norman Fairclough, Shia theo-policies, Popular culture, Mo'aven ol-Molk Tekyeh, Qajar era, Paintings on tile.

Abstract

تحلیل انتقادی گفتمان سیاست دینی فرهنگ مردمی قاجار و انعکاس آن در کاشی‌نگاره‌های دینی تکیه معاون‌الملک با تکیه بر آراء نورمن فرکلاف

سمانه سراج * سیدرضا حسینی **

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹
بازنگری نهایی: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ زودآیند: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

صفحه ۹۸ تا ۱۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

DOI:10.22070/negarch.2024.17450.3189

چکیده

مقدمه: در زیست جهان فرهنگی قاجار، مقوله دین در قالب شکل‌بندی‌های اجتماعی، سیاست فرهنگی (گفتمان) و سیاست‌گذاری فرهنگی (کردار ایدئولوژیک) نمود یافته است. پیامد کارکردی این سیاست دینی، مشروعیت‌بخشی به فرهنگ زندگی روزمره، تعیین مفهوم زیست اجتماعی، بازنمایی فرهنگی، سازماندهی کنش‌های روزمره و نظم‌بخشی به شیوه اندیشیدن و کردارهای فرهنگی بوده است. با توجه به ماهیت دینی برخی از کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک و تأکید آن بر آموزه‌های تشیع و تجلی فقهی آن در اصل ولایت فقیه، این پژوهش کاشی‌نگاره‌های روایی شیعی را به مثابه متن گفتمانی و در قالب یکی از پایگاه‌های گفتمانی سیاست دینی بررسی می‌کند.

اهداف و سؤالات: هدف از این پژوهش، تحلیل ماهیت سیاست‌گذاری دینی برای فرهنگ مردمی در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک قاجار و شناسایی گفتمان سیاست‌های دینی و عملکرد محوریت‌های فرهنگ مردمی بازتاب یافته در این کاشی‌نگاره‌ها است. سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. ماهیت سیاست‌گذاری دینی به چه صورت فرهنگ مردمی قاجار را در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک بازتولید می‌کند؟ ۲. در سیاست‌گذاری دینی برای فرهنگ مردمی قاجار، کدام سیاست‌های گفتمانی در کاشی‌نگاره‌های روایی تکیه معاون‌الملک محوریت یافته‌اند؟

روش‌ها: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوای انتقادی، بر مبنای آراء فرکلاف انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فیش‌برداری، مشاهده و بهره‌گیری از ابزارهای پویاگری نوین بوده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد کاشی‌نگاره‌ها با تکیه بر سیاست فقهی شیعه، جهت‌گیری به سمت هویت‌سازی دینی و مقاومت فرهنگی در برابر گفتمان غرب را دنبال کرده‌اند. محور این جهت‌گیری در کاشی‌نگاره‌ها، همسو با دینی‌تر شدن فرهنگ مردمی و کسب جامعیت سیاسی توسط کنشگران مردمی است که علمای طراز اول دوره مشروطه را در این آثار برجسته ساخته است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، سیاست دینی، فرهنگ مردمی، تکیه معاون‌الملک، دوران قاجار، کاشی‌نگاره.



مقدمه

بیان مسئله: سیاست فرهنگی، ترکیبی از کردارها، ارزش‌ها، هنجارها و اصولی است که به صورت آگاهانه برای هدایت و نظارت بر کنش‌های فرهنگی در جامعه‌ای مشخص توسط کارگزاران جامعه اتخاذ می‌شود. علما، به مثابه کارگزاران دینی به منظور الگوسازی، گونه‌ای از سیاست فرهنگی دینی را در فرهنگ مردمی ترویج دادند. هدف سیاست فرهنگی علما برای زیست فرهنگی قاجار، نوعی الگوسازی فرهنگی بود. یکی از ابعاد این سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های دینی فرهنگ مردمی است که ماهیت و جهت‌گیری آن اساساً دینی است. تحلیل انتقادی سیاست‌گذاری دینی برای فرهنگ مردمی دوره قاجار و تأثیر آن در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک، مهم‌ترین مسئله این پژوهش است.

این تحلیل با یک موقعیت گفتمانی سروکار دارد. دلیل اطلاق عنوان گفتمان به این مسئله آن است که هم سیاست‌گذاری دینی فرهنگ مردمی و هم خود فرهنگ مردمی بازنمایی شده در کاشی‌نگاره‌ها، از نظر ماهیت، سازوکار اجتماعی، جهت‌گیری و شکل اجتماعی، گونه‌ای گفتمان فرهنگی ویژه به شمار می‌روند. به این معنا که از طریق این گفتمان فرهنگی، منازعه‌های باز و پایان‌ناپذیر میان نظام‌های حکومتی و دینی سیاست‌گذار از یکسو و زیست جهان روزمره مردمی قاجار ایران از سوی دیگر، بازتولید می‌شود.

منظور از گفتمان فرهنگی در اینجا، نوعی کنش اجتماعی بصری-روایی در کاشی‌نگاره‌های دینی دوران قاجار است که به مثابه جزئی از مسیر مبارزه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. این کاشی‌نگاره‌ها گونه‌ای از منازعه را که توسط علما بازتولید شده، به نمایش می‌گذارند. در این تحلیل، علما به عنوان کنشگران زیست جهان روزمره مردم قاجار در نظر گرفته شده‌اند و سلطنت، به مثابه کارگزاران دولت برای کنترل کنش‌های اجتماعی علما اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، گفتمان فرهنگی کاشی‌نگاره‌های روایی دینی قاجار، نوعی کنش اجتماعی است که تنگنای سیاست‌گذاری دینی را با فرهنگ مردمی بازتولید می‌کند. با توجه به ماهیت دینی گفتمان فرهنگی دیوارنگاره‌های دوران قاجار و تأکید این گفتمان بر آموزه‌های تشیع و تبلور سیاسی-فقهی آن در اصل ولایت‌فقیه، این پژوهش کاشی‌نگاره‌های روایی دینی را به مثابه متن گفتمان و تحت عنوان یکی از پایگاه‌های گفتمانی این سیاست دینی مورد بررسی می‌دهد؛ گفتمانی که خود را در این قالب نمایان ساخته است. برای تحلیل این گفتمان، از روش متناسب با آن، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است.

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA)^۱ رویکردی برای تحلیل گفتمان است که در چند دهه گذشته تکامل یافته است. تحلیل‌های گفتمان انتقادی، رسانه‌های رسمی مانند روزنامه‌ها و گفتمان سیاسی شفاهی، نوشتاری و بصری (کاشی‌نگاره)

را در مکان‌های مختلف بررسی می‌کنند. باین حال، از CDA نیز برای تحلیل متون فرهنگ عامه (مانند کاشی‌نگاره)، به جای زبان‌شناسی کاربردی توسط پژوهشگران مطالعات فرهنگی و زمینه‌های مرتبط، استفاده می‌شود؛ مانند سایر نظریه‌های انتقادی، CDA متون را برای یافتن شواهدی از روابط قدرت نابرابر میان شرکت‌کنندگان در رویدادهای گفتمانی واکاوی می‌کند. CDA تا حد زیادی از نظر تئوری و روش‌شناسی تحت تأثیر زبان‌شناسان انتقادی قرار گرفت که زبان‌شناسی عملکردی نظام‌مند هالیدیان را پذیرفتند؛ رویکردی که همواره به جنبه‌های اجتماعی و زمینه‌ای زبان اهمیت می‌دادند. پیشنهاد فرکلاف^۲، تلفیقی جالبی از عناصر نظری و روش‌شناختی از ماتریالیسم دیالکتیکی کارل مارکس^۳، زبان‌شناسی کاربردی نظام‌مند مایکل هالییدی^۴ بسط نظریه‌های میشل فوکو^۵ و آنتونیو گرامشی^۶ در باب قدرت و زبان در جوامع معاصر و نیز درک طبقه‌بندی شده، نقد رابطه‌ای و دگرگونی روی باسکار^۷ است. به همین دلیل، می‌توان آن را به عنوان یک جهت‌گیری نظری و هم یک چارچوب روش‌شناختی برای مطالعه متون نوشتاری، گفتاری و تصویری (کاشی‌نگاره) در زمینه اجتماعی‌شان، در نظر گرفت. در بسیاری از پژوهش‌ها، محققان بر «تقاطع زبان و ساختار اجتماعی» تمرکز کرده و اغلب مواضع ایدئولوژیک شخصی خود را به صراحت بیان می‌کنند. باین حال، تعداد نسبتاً کمی از این پژوهش‌ها به تحلیل گفتمان متون فرهنگ مردمی پرداخته‌اند.

اهداف پژوهش: اهداف این پژوهش، تحلیل انتقادی ماهیت سیاست دینی برای فرهنگ مردمی در کاشی‌نگاره‌های دینی تکیه معاون‌الملک دوره قاجار و شناخت گفتمان سیاست‌های دینی و عملکرد کانون‌های محوری فرهنگ مردمی در این کاشی‌نگاره‌ها است. با توجه به مطالب بیان شده و ماهیت گفتمانی مسئله، **سوالها** عبارت‌اند از: ۱. ماهیت سیاست‌گذاری دینی به چه صورت فرهنگ مردمی قاجار را در کاشی‌نگاره‌های دینی تکیه معاون‌الملک بازتولید می‌کند؟ ۲. در سیاست‌گذاری دینی برای فرهنگ مردمی قاجار کدام سیاست‌های گفتمانی در کاشی‌نگاره‌های دینی تکیه معاون‌الملک محوریت یافته‌اند؟

ضرورت و اهمیت تحقیق با توجه به تأثیرات دیالکتیکی گفتمان دینی و فرهنگ مردمی در حوزه‌های عمومی ایران دوران قاجار و نقش دخالت‌های سازمان‌یافته این گفتمان دینی، مطالعه تعامل دین و فرهنگ در یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مردمی آن دوره (کاشی‌نگاره‌های روایی دینی) است.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و بر مبنای تحلیل محتوای انتقادی از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل فیش‌برداری، مشاهده

1. Critical Discourse Analysis

2. Norman Fairclough

3. Karl Marx

4. Michael Halliday

5. Michel Foucault

6. Antonio Gramsci

7. De Roy Bhaskar

و پوشش‌گری نوین است. جامعه پژوهش مشتمل بر ۲۵ کاشی‌نگاره با مضمون دینی مربوط به تکیه معاون‌الملک است که به شیوه هدفمند (غیر احتمالی) انتخاب شده‌اند تا به بهترین شکل به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی و با اتکا به آراء سه وجهی فرکلان صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی به بررسی مفهوم فرهنگ سیاسی تشیع پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات فرهنگی و فرهنگ مردمی نیز تحقیقات زیادی انجام شده است. با این حال، کمتر پژوهشی مستقل به نقش فرهنگ سیاسی تشیع در شکل‌دهی نظام کاشی‌نگاره‌های دوران قاجار و نقش این کاشی‌نگاره‌ها در هژمونیک شدن قدرت به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مشروطیت، با روش‌شناسی فرکلان پرداخته است. این پژوهش به دلیل ماهیت بینا رشته‌ای، داده‌های خود را از دو حوزه مختلف گردآوری کرده است: دسته اول، پژوهش‌های هم‌راستا با چارچوب نظری تحقیق و دسته دوم، پژوهش‌های مرتبط با مضمون دینی گفتمان شیعی. از جمله این منابع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله «سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه» نوشته نجاتی حسینی (۱۳۸۶) که در شماره ۸۸ مجله دین و ارتباطات منتشر شده است. این مقاله به بررسی گفتمان سیاست فرهنگی دینی در ایران می‌پردازد و می‌تواند در چارچوب نظری پژوهش حاضر مورد توجه قرار گیرد. با این حال، مطالب ارزشمند آن در زمینه بافت دیوارنگاره‌ها تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. مقاله «نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی موردی تهران»، نوشته قرائتی (۱۳۹۳) که در فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۴، منتشر شده است به بررسی گفتمان سیاسی در دوره قاجار و نقش اماکن مذهبی در پیشبرد اهداف سیاسی-دینی می‌پردازد. اگرچه این مقاله در تبیین تأثیر اماکن مذهبی بر اهداف سیاسی-دینی اهمیت دارد، ولی تعامل دین و فرهنگ در اماکن مذهبی، به‌ویژه در بافت دیوارنگاره‌ها کمتر تحلیل شده است. پژوهش شایسته‌فر (۱۳۹۰) با عنوان «انعکاس مضامین سوره یوسف در نقاشی‌های دیواری عباسیه تکیه معاون‌الملک» که در کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۹ منتشر شده است با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، محتوای نقاشی‌های کاشی‌کاری‌های صحن عباسیه را بررسی کرده است. با این حال، از دیدگاه پژوهش حاضر، شکاف دانشی در زمینه تعامل مضامین دینی و فرهنگ مردمی بر بافت دیوارنگاره‌ها وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر است. این موضوع می‌تواند بخشی از پژوهش‌های آتی و تحلیل‌های بیشتر در این حوزه باشد تا

تأثیر این تعاملات بر بافت دیوارنگاره‌ها بهتر درک شود. پنجه‌باشی و فرهد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نقوش مذهبی در کاشی‌های تکیه معاون‌الملک»، منتشر شده در شماره ۷-۸ مجله نگارینه هنر اسلامی، به مطالعه نقوش دینی در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک پرداخته و بیشترین توجه را به نقوش عاشورایی داشته‌اند. با این حال، تأثیر نقوش دینی در کاشی‌نگاره‌ها تحت تأثیر بافت جامعه قرار می‌گیرد و این موضوع توسط بسیاری از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است، اما کمتر در زمینه تخصصی دیوارنگاره‌ها بررسی شده است. به همین دلیل، نیاز به توجه بیشتر به نقش نقوش دینی در دیوارنگاره‌ها و تأثیر آن بر بافت جامعه وجود دارد.

جفری ماهان^۱ (Forbes, 2017) در کتاب خود با عنوان «مذهب و فرهنگ پاپ در آمریکا» که توسط دانشگاه کلمبیا منتشر شده است به تحلیل ادبیات سیاست دینی و فرهنگ مردمی در مطالعات فرهنگی می‌پردازد. او دسته‌بندی‌های مهمی برای این ادبیات نظری ارائه کرده که در تحلیل دیوارنگاره‌ها نیز حائز اهمیت است. با این حال، این نکته که ادبیات سیاست دینی و فرهنگ مردمی می‌تواند در تحلیل دیوارنگاره‌ها نقش مهمی ایفا کند، تاکنون توسط پژوهشگران به‌خوبی مورد استفاده قرار نگرفته است. کتاب (جان استوری 2015) Storey با عنوان «نظریه فرهنگی و فرهنگ عامه» که توسط انتشارات هارلو: آموزش پیرسون منتشر شده به بررسی رابطه بین فرهنگ و قدرت پرداخته و ادعا می‌کند که فرهنگ نه تنها نمایانگر قدرت است، بلکه نشانه‌ای از مبارزه و اعتراض نیز محسوب می‌شود. این دیدگاه می‌تواند در تبیین فرهنگ مردمی و نظریه فرهنگی مغتنم باشد. با این حال، این نکته که فرهنگ می‌تواند نشانه‌ای از مبارزه و اعتراض باشد، در مطالعاتی که به بافت دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت می‌پردازند، معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کتاب «تنبیه الامة و تنزیه الملکه»، اثر محمدحسین نائینی توسط شرکت سهامی انتشار منتشر شده است. نائینی در این کتاب به بررسی سیاست فقهی شیعه در دوران قاجار می‌پردازد و موضوعات دینی را تحلیل می‌کند. این موضوعات دینی که در پژوهش حاضر مورد تحلیل انتقادی قرار می‌گیرند، به کلام نائینی برمی‌گردند و از گفته‌های او برای اثبات فقه سیاسی شیعه استفاده شده است. با این حال، در زمینه بافت دیوارنگاره‌ها کمتر به این مسائل پرداخته شده و توجه کافی به آن‌ها نشده است.

در بررسی مطالعات پیشین، اکثر پژوهش‌ها بر تحلیل هنری یا مضامینی نظیر روایت عاشورا، وقایع مذهبی یا ساختار فرهنگی عصر قاجار متمرکز بوده‌اند و معمولاً با رویکرد توصیفی یا تحلیلی انجام شده‌اند. بخش قابل توجهی از این آثار بیشتر بر توضیح ویژگی‌های بصری، نظریه‌های قدرت اجتماعی یا نقش مضامین مذهبی در



این‌گونه مطالعات برای شناخت تعامل دین، رسانه، فرهنگ برای شفاف کردن ماهیت امر مقدس و امر نامقدس مهم تلقی می‌گردد. نهادینه کردن مذهب در فرهنگ مردمی برای دین امری مهم به شمار می‌آید. با توجه به این امر مهم می‌توان ادعان داشت که کاشی‌نگاره‌های روایی مذهبی یکی از رسانه‌های شایسته توجه است که در بازتولید تجربه دینی مؤثر است؛ همچنین مناسک بازتولید شده بر کاشی‌نگاره‌ها می‌توانند تجربه دینی را بازتولید کنند. در همین زمینه تام بودون^۱ معتقد است که برای برانگیختن حس تعلق دینی و نقش غیرقابل‌انکار این امر برای هدایت رفتار و کردار دینی در زیست مردمی، تعامل مناسک دینی و تمرین‌های معنوی مرتبط اهمیت دارد. طبق باور تام بودون تعامل دین و فرهنگ مردمی در زیست جهان روزمره، به بازتولید ذهنیت فرهنگی دینی کمک می‌کند. دیوید مورگان^۲ هم‌همانند جفری ماهان و تام بودون، به تعامل پویای دین و فرهنگ مردمی از منظر درک تجربه زیسته و باورها و کردارهای دینی اشاره کرده است. لین اسکوفیلد کلارک^۳ هم این تعامل مابین دین و فرهنگ مردمی را از طریق رسانه‌های عمومی نوعی بینامتنیت دانسته که حس دینی مخاطبان را در فضای عمومی یا خصوصی محدود رسانه، بدون حضور متکلم دینی تقویت و تحریک می‌کند و آنان را به باورها و کردارهای دینی مجازی رهنمون می‌کند (Forbes, 2017). به‌طور کلی نظریات جفری ماهان، تام بودون، دیوید مورگان و لین اسکوفیلد کلارک این مطلب را متذکر می‌شوند که دین و فرهنگ مردمی دارای تعاملی پویا هستند که منجر به بازتولید فرهنگی امر مقدس می‌شوند. دومین نکته مهم تعامل این سه مؤلفه ناظر به هویت‌یابی و هویت‌سازی دینی در زیست جهان روزمره مردمی قاجار است. این هویت‌سازی‌ها و هویت‌یابی‌ها از طریق تعامل پویای این سه مؤلفه رخ می‌دهد. هویت دینی که از طریق رسانه‌ها در تجربه زیسته آن‌ها بازتولید می‌شود، مظهر ایجاد دین مردمی است که به‌مثابه یک نظام عقیدتی ارزش‌های ملی و دینی را به یکدیگر پیوند می‌زند و در رسانه مردمی بازتولید می‌کند. سومین نکته مهم در این تعامل بازتولید صورت جدیدی از استحاله دین در فرهنگ مردمی از طریق رسانه‌های مردم‌پسند (مردمی) است. مبنای نظری این تعامل در اندیشه جفری ماهان دیده می‌شود. به باور جفری ماهان، چهار تعامل بین دین و فرهنگ مردمی دیده می‌شود: دین در فرهنگ مردمی، فرهنگ مردمی در دین، دین به‌مثابه فرهنگ مردمی، گفتگوی دین و فرهنگ مردم. دین در فرهنگ مردمی: منظور استفاده از مضامین مذهبی، زبان، انگاره‌ها، منش‌ها و موضوعات دینی در فرهنگ مردمی عمومی است که معمولاً به دو صورت مکمل می‌شود: مضامین مذهبی و شخصیت‌های دینی زمان. ب. فرهنگ مردمی در دین: این تعامل اشاره به شیوه‌ای دارد که در آن نغمه‌های مذهبی تحت تأثیر قالب ردیف دستگاه موسیقی ایرانی (آواز بیات

دیوارنگاره‌های قاجار تاکید دارند و به تحلیل ساختارهای قدرت و هژمونی موجود در این تصاویر کمتر پرداخته‌اند. تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در چند محور اساسی است: ۱. استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلانف که ساختار سه‌لایه (توصیف، تفسیر، تبیین) را برای ارتباط میان متن هنری و بستر اجتماعی-سیاسی فراهم می‌سازد. ۲. تمرکز بر نقش فرهنگ سیاسی تشیع در فرآیند شکل‌گیری نظام کاشی‌نگاره‌های قاجار و تحلیل تأثیر این نظام تصویری در هژمونیک شدن قدرت و پیدایش جنبش مشروطیت، موضوعی که در مطالعات قبلی عمدتاً مغفول مانده است. ۳. توجه ویژه به تعامل دین و فرهنگ مردمی در شکل‌دهی دیوارنگاره‌ها و تحلیل این تعامل با ربطدهی آن به شاخص‌های قدرت و سیاست‌گذاری دینی. ۴. بررسی دیوارنگاره‌ها نه فقط به عنوان نشانه‌های هنری یا مذهبی، بلکه به عنوان روندهای گفتمانی و بسترهای سیاسی-اجتماعی فعال که پیامدهای هژمونیک و اعتراضی در مسیر تحولات اجتماعی ایران عصر قاجار (با تأکید بر مشروطیت) داشته‌اند.

بر این اساس، مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از رویکرد بینارشته‌ای و روش‌شناسی تحلیلی انتقادی، خلأ مطالعات قبلی را در زمینه تبیین نقش فرهنگ سیاسی تشیع و پیامدهای هژمونیک کاشی‌نگاره‌های قاجاری پر می‌کند و تحلیل نوینی از تعامل دین، هنر و قدرت در متن دیوارنگاره‌های عصر قاجار را ارائه می‌دهد.

چارچوب نظری سیاست دینی فرهنگ مردمی در مطالعات فرهنگی

ادبیات مطالعات فرهنگی بسیار گسترده است و ابعاد مختلف فرهنگ مردمی را بررسی می‌کند. این پژوهش، حوزه تجربیات و کردارهای دینی (مناسک و گفتمان‌های دینی) را به‌عنوان یکی از ابعاد سیاست‌های دینی مرتبط با فرهنگ مردمی دوره قاجار مورد مطالعه قرار می‌دهد. برای شناخت پیوند سه مؤلفه مهم دین، کاشی‌نگاره و فرهنگ مردمی، تعامل پویای این سه مؤلفه ضروری به نظر می‌رسد. این تعامل از چند جهت قابل‌توجه است: اولین مؤلفه مهم را باید در بازتولید فرهنگی امر مقدس در زندگی روزمره مردمی دید. دین تجلی ارزش‌ها، باورها، کردارها، هنجارها و سنت‌هایی است که از طریق دیالوگ و تعاملی پویا میان افراد و فرهنگ مردمی به یک برساخته فرهنگی تبدیل می‌شود. در این مورد همان‌گونه که جفری ماهان (Forbes, 2017) تأکید کرده، فرهنگ مردمی برای دین و بازتولید مردمی امر مقدس و امور مذهبی کاربردی است. به باور ماهان، فرهنگ مردمی که از طریق رسانه‌های مردمی در جوامع عمومی تولید می‌شود، هویت دینی اجتماعی و فردی را شکل می‌دهد. این هویت‌سازی‌ها، کردارهای دینی را در زیست جهان روزمره دوره قاجار رقم می‌زند.

ترک در گوشه «روح‌الارواح» و همچنین در شور و شهناز و حجاز و ابوعطا و... قرار گرفته یا رسانه‌ای خاص (مسجد، تکیه، حسینیه، عباسیه، زینبیه، مقبره و...) بازتولید می‌شود و اجتماع‌های مذهبی در این مکان‌ها به تبلیغات دینی بر روی رسانه‌هایی چون دیوارها می‌پردازند. ج. فرهنگ مردمی به مثابه دین: در اینجا صحبت از فلسفه و الهیات دین نیست؛ بلکه صحبت از باورها و کردارهای دینی است که در زیست روزمره درباره خداوند، قیامت، رستاخیز، عذاب، پاداش و سایر امور مذهبی دارند و از آن‌ها تأثیر می‌گیرند. د. دیالوگ دین و فرهنگ مردمی: تقویت این دیالوگ زمانی است که اجتماع‌های مذهبی برای تبیین مواضع دینی خود از چهره‌های دینی (پیامبران، امامان، علما، اندیشمندان مردمی و...) برای تبیین مسائل اجتماعی و حل مشکلات (فقر، ظلم، آزادی، امنیت و...) با زبان خاص دینی استفاده می‌کنند. در حال حاضر اماکن مذهبی مهم‌ترین پایگاه این دیالوگ هستند. این نوع دیالوگ‌ها و تعاملات در جوامع حساس به دین، به‌ویژه ایران دوره قاجار، منجر به ایجاد دین مردم‌پسندی می‌شود که با هم‌گشتی دین در فرهنگ مردمی همراه است. مسیرهای هویت‌یابی و هویت‌سازی دینی هم در این دین مردمی شکل خاصی به خود می‌گیرد که منجر به فرهنگ خاص دینی می‌شود.

تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات رسانه‌ای

تحلیل گفتمان انتقادی یک روش‌شناسی است که امکان ارزیابی جدی از چگونگی استفاده از زبان برای توصیف و توضیح را فراهم می‌کند. تنوع اصطلاحات در این حوزه، بازتاب‌دهنده تأثیرات مختلف در توسعه روش‌شناسی آن است. باین‌حال، یک دستور کار مورد توافق گسترده در این مطالعات وجود دارد. فرکلاف در بیان این دستور کار معتقد است که باید به کاوش نظام‌مند روابط اغلب پنهان‌علیت و تعیین‌کنندگی میان رویدادها، متون، ساختارها، روابط و فرایندهای گسترده اجتماعی و فرهنگی پرداخت؛ تا نشان داده شود که چگونه این اعمال، رویدادها و متون، از روابط قدرت و مبارزات بر سر قدرت سرچشمه می‌گیرند و از نظر ایدئولوژیک تحت تأثیر آن‌ها شکل می‌پذیرند (Fairclough, 1995, p. 132). بنابراین، متون، زبان و ارتباطات همواره باید در بافت اجتماعی خود بررسی شوند، چراکه آن‌ها هم شکل‌دهنده این بافت هستند و هم از طریق فرایندهای گسترده‌تر جامعه شکل می‌گیرند. به این ترتیب، متون صرفاً به شکلی منفعلانه به بازگفت جهان نمی‌پردازند، بلکه آن را معنادار می‌کنند، بازتولید می‌کنند و حتی جهان خود را به وجود می‌آورند.

اصطلاح گسترده گفتمان را می‌توان در این زمینه به کار برد، زیرا به شیوه‌های گوناگون برقراری ارتباط میان افراد اشاره دارد. گفتمان را می‌توان «رابطه فعال با واقعیت» دانست (Fairclough, 1992, p. 41). پس از انتشار کتاب

«زبان و قدرت» (Fairclough, 1989) رویکرد نویسنده از مدل سه‌بعدی تحلیل گفتمان (متن، عمل گفتمانی و عملکرد اجتماعی) (Fairclough, 1992, p. 243-250) به‌سوی مدلی متن محور حرکت کرد که توجه بیشتری به مباحث نظریه اجتماعی دارد و در نهایت منجر به برداشتی از CDA انجامیده است که آن را شکلی از استدلال دیالکتیکی می‌داند؛ استدلالی که انتقاد، تبیین و عمل را در مدلی ادغام می‌کند که به‌طور بنیادی در پی بهبود شرایطی است که در آن زندگی انسان شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد (Fairclough, 2014, pp. 79-220; Fairclough, 2018). فرکلاف برای تبیین عملکرد گفتمان در زیست روزمره اجتماعی، سه مؤلفه را به‌عنوان «بخشی از کنش» معرفی می‌کند: ژانرها (شیوه‌های بازیگری)^۱، گفتمان‌ها (شیوه‌های بازیگری)^۲ و سبک‌ها (شیوه‌های بودن)^۳ (Fairclough, 2003, p. 26). «ژانرها» به شیوه‌های خاصی برای دست‌کاری و چارچوب‌بندی گفتمان اشاره دارند. نمونه‌هایی از ژانرها عبارت‌اند از موعظه‌های علما، آیین‌های عزاداری و سخنرانی‌های سیاسی انتقادی علیه حکومت وقت و... ژانرها به این دلیل اهمیت دارند که چارچوبی برای درک گفتمان در اختیار مخاطب قرار می‌دهند، هرچند به همین دلیل، «ژانرها» می‌توانند کانون قدرت، سلطه و مقاومت نیز باشند. «گفتمان‌ها/بازنمایی‌ها» در ارزیابی ابزارهایی که از طریق آن‌ها می‌توان جنبه‌های ظاهراً مشابه جهان را از دیدگاه‌ها یا موقعیت‌های گوناگون درک کرد، نقش اساسی دارند. در نهایت، «سبک‌ها» روش‌هایی هستند که از طریق آن‌ها گفتمان برای ایجاد حس هستی و هویت استفاده می‌شود، یعنی چگونگی شناسایی فرد از رهگذر کاربرد و شیوه خاص گفتمان. بر این اساس، گفتمان وسیله‌ای برای بودن و انجام دادن است و نحوه درک و تفسیر این عمل خاص، نشان‌دهنده سه عنصر تحلیلی دیگر در مطالعه است: تولید، فرم و پذیرش. ساختار و رابطه این سه و تأثیر متقابل آن‌ها از خلال دغدغه‌های سیاسی و فرهنگی، موجب گسترش تأثیرات اجتماعی می‌شود (Fairclough, 2003, p. 11). این تأثیر اجتماعی به میزان دسترسی مخاطب، درک، استفاده و مقاومت در برابر این گفتمان وابسته است.

گفتمان را نباید به‌صورت مجزا در نظر گرفت، چراکه گفتمان‌ها در یک کنش بینامتنی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ به این صورت که گفتمان‌های خاص فقط در ارجاع به گفتمان‌های دیگر قابل‌درک‌اند. زبان‌شناس روسی، میخائیل باختین^۴ (Bakhtin, 1986, pp. 60-102) این وضعیت را «دیالوگ‌گرایی»^۵ نامیده است: گفتمان‌هایی که به‌طور ضمنی یا صریح به گفتمان‌های دیگر ارجاع می‌دهند، نشانه‌ای دیگر از زندگی اجتماعی گفتمان به شمار می‌روند. استفاده ظریف از دیالوگ‌گرایی مورد اشاره باختین به این معنا است که گفتمان‌ها با دیگر اشکال ارتباطی گذشته پیوند

۱. Genres (ways of acting)
۲. Discourses (ways of representing)
۳. Styles (ways of being)
۴. Mikhail Bakhtin
۵. Dialogics or dialogism

۱. Genres (ways of acting)
۲. Discourses (ways of representing)
۳. Styles (ways of being)
۴. Mikhail Bakhtin
۵. Dialogics or dialogism



بر دیوارهای تکیه، نقاشی و گچ‌بری بود که توسط استادکاران خبره اجرا شد؛ اما «پس از چندی، حسن خان معاون‌الملک تصمیم گرفت از مصالحی که از استحکام بیشتری برخوردار بودند، استفاده کند» (مهدی‌آبادی و خدیوی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۱). در تابلوهای کاشی‌کاری شده این مجموعه، مضامین دینی اصلی‌ترین مضمون است (پنجه‌باشی و فرهد، ۱۳۹۴، ص. ۱۶). معاون‌الملک در سال ۱۳۴۷ ق. این تکیه را وقف برگزاری مراسم عزاداری ائمه معصومین (ع) کرد (شهبازی و شهبازی، ۱۳۸۱، صص. ۴۶-۵۱).

تحلیل داده‌ها: تحلیل رمزگذاری سیاست دینی فرهنگ مردمی در نگاره‌ها با استناد بر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف: سطح توصیف

یکی از جنبه‌های جهان‌بینی و نگرش علمای مشروطه‌خواه که در این کاشی‌نگاره‌ها از نظر کاربرد در سطح عناصر، روابط هم‌نشینی و هم‌آیی عناصر، معناسازی‌ها، فرایندهای دستوری و فرهنگ مردمی نمود یافته، توجه به بازتولید فرهنگی ولایت‌فقیه به نیابت از امام به‌مثابه امر مقدس در زندگی روزمره مردمی است که به‌عنوان هم‌معنایی در این کاشی‌نگاره‌ها برجسته شده است. اصلی‌ترین عاملی که از نظر درونی در تحول گفتمانی علمای شیعه در دوران مشروطه مهم است، وضعیت حاکم بر ذهن علما است که تحت تأثیر گفتمان غربی ذهنیت خاصی را در بسیاری از علما شکل داده بود. در کاشی‌نگاره (تصویر ۱)، مسجد و منبر نماد جامعه ایرانی است و سید محمد شیرازی (۱۲۷۵-۱۳۴۹)، معروف به سلطان‌الواعظین، نماینده مراجع تقلید ایرانی است که برای تحکیم مبانی مذهبی و روشن شدن عقاید حقه شیعه، بیشتر عمر خویش را صرف تبلیغ، وعظ و خطابه کرد و در این مسیر نیز به‌حق موفق بود. او سفرهایی به مصر، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و هندوستان انجام داشت و در این جلسات، مباحثی در زمینه خلافت، ولایت و عقاید شیعه را مطرح ساخت (سلطان‌الواعظین شیرازی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۵).

فرکلاف (Fairclough, 2003) معتقد است که نمونه‌های میانجی میان اقشار با وسعت بیشتر و اقشار با وسعت کمتر، اعمال اجتماعی هستند که به پیکربندی شبکه‌های پیچیده‌ای که حوزه‌ها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی را ساختار می‌دهند، کمک می‌کنند (Chouliaraki & Fairclough, 1999, p. 183; Fairclough, 2005, pp. 915-938). این ویژگی در اثر، از طریق انتخاب موضوع (مجلس روضه‌خوانی مرحوم سلطان‌الواعظین)، انتخاب هوشمندان یک روحانی در بهترین جایگاه قاب، انتخاب بقیه عناصر در جهت گردش دور موضوع اصلی، از فرهنگ غنی شیعه ایرانی اواخر دوران قاجار حکایت می‌کند. از آنجاکه کاشی‌نگاره از زاویه دید دانای کل (سلطان‌الواعظین)

دارند و در عین حال شیوه‌های گفتمانی آینده را پیش‌بینی می‌کنند.

بینامتنیت یا دیالوگ‌گرایی، وسیله‌ای است که گفتمان از طریق آن در شبکه‌ای از دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد. با این حال، انبوه گفتمان تضمین می‌کند که فرم‌ها برای تسلط، قدرت و کنترل همیشه با یکدیگر رقابت می‌کنند. (Foucault, 1980, p. 35) در درون جامعه، برخی گفتمان‌ها قدرتمندتر از دیگران هستند. این موضوع به معنای انکار قدرت عاملیت در دریافت گفتمان نیست، بلکه ابزار ظریفی را آشکار می‌کند که به‌وسیله آن کارگزاران از طریق ویژگی‌های گفتمانی خود را به سوژه تبدیل می‌کنند. بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی، شکل، ساختار و محتوای گفتمان را از دستور زبان و واژه‌بندی‌های به‌کاررفته در ایجاد آن (سطح توصیف) تا سطح دریافت و تفسیر آن توسط مخاطبان گسترده‌تر مورد بررسی قرار می‌دهد.

جایگاه فرهنگ مردمی در عمل سیاسی علمای شیعه در دوران مشروطه

پس از پیروزی مردم در قیام تنباکو و آگاهی از قدرت جمعی خویش، اعتمادبه‌نفسی در میان‌شان شکل گرفت که بر پایه همدلی و اتحاد تا رسیدن به نتیجه استوار بود. این امر زمینه‌ساز حرکت بزرگ‌تری به نام انقلاب مشروطه شد. در جریان انقلاب مشروطه، شاهد حضور تأثیرگذار مردم در عرصه سیاست هستیم که این بار در سطح ملی، استبداد داخلی را محکوم کرد و به دنبال محدود کردن قدرت مطلقه شاه و گسترش قدرت ملت بود؛ مردمی که تا آن زمان، رعیت نامیده می‌شدند و در حکم مملوک پادشاه به‌شمار می‌آمدند.

با توجه به آنچه گفته شد، مشارکت و مطالبات سیاسی مردم در این دوره بهبود یافت. علما و مراجع شیعه نقش مهمی در سازماندهی این نهضت داشتند. آن‌ها در جهت مردمی کردن نظام مشروطه بر مبنای آموزه‌های شیعی پیوسته در تلاش بودند تا حقوق مردم در برابر حکومت پایمال نشود. آیت‌الله محمدحسین میرزای نائینی به‌عنوان نظریه‌پرداز دینی حقوق مردم در حکومت نقش مهمی داشت (جمال‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۱). به باور نائینی، هنگامی که مشارکت مردم در حکومت، به‌منزله حقی برای آنان شناخته شود؛ باید آن‌قدر آزاد باشند که بتوانند دولت را مورد پرسش یا اعتراض قرار دهند (نائینی، ۱۳۲۷، ص. ۱۳).

تکیه معاون‌الملک کرمانشاه

تکیه معاون‌الملک کرمانشاه، عالی‌ترین نمونه از بناهای مذهبی دوره قاجار در این شهر است. حسن خان بنای حسینی را از برادرش خرید و پس از مرمت و بازسازی، در سال ۱۳۳۶ ق. ساخت دو بنای دیگر به نام‌های زینبیه و عباسیه را آغاز کرد. در ابتدا، تزئینات شکل‌گرفته



تصویر ۱. مجلس روضه‌خوانی مرحوم سلطان الواعظین، ۱۲۹۶.
تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه (www.mehrnews.com)

در این کاشی‌نگاره، با توجه به فرهنگ مردمی و گروه‌های مختلف اجتماعی، می‌کوشد تا هم‌آوایی و هم‌جهتی هویت را در اثر خود ایجاد کند. توجه به فرهنگ دینی برساخته‌ای مانند قمه‌زنی، سینه‌زنی، روضه‌خوانی و مویه و زاری بر مصائب و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) که با فضای انقلاب مشروطه و تجمعات در مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و در تمام اماکن مذهبی در بطن جامعه ایران همخوانی دارد، در این کاشی‌نگاره به‌وضوح برجسته شده است (تصویر ۲).

در چارچوب نظریه فرکلاف، مکان و بستر اختصاص یافته به موضوعات، این امکان را فراهم می‌آورد تا بر دیدگاه‌های ساختارگرایانه که همواره بر مطالعات زبان‌شناختی، سیطره داشته‌اند، غلبه شود از رهگذر دیدگاه‌های ساخت‌گرایانه، ظرفیت زاینده زبان بیش‌ازحد برآورده شده که منجر به زایش زبانی جدید برای موضوعی جدید می‌شود (Cornejo et al., 2016, pp. 121-135). این زبان جدید را می‌توان زبان بصری کاشی‌نگاره‌های موردبحث دانست و موضوع جدید نیز، توجه به جایگاه ولایت علماء، اماکن دینی و رویدادهای مهم مذهبی در این تصاویر است. هنرمند کنشگر در این کاشی‌نگاره‌ها می‌کوشد زبانی جدید برای حفظ و پاسداری از فرهنگ دینی، در بستر فرهنگ ایرانی (مانند اجرای اعمال دینی در مساجد ایرانی) بیافریند.

مردمی بودن و حضور گسترده زنان در عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام در عصر قاجار (تصویر ۳)، موجب شد این نهاد اجتماعی نقش مهمی در اشاعه فرهنگ تشیع ایفا کند و همچنین به زنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی مؤثر توجه بیشتری شود (تصویر ۴). بازتاب این موضوع و حوادث مرتبط با عاشورا در کاشی‌نگاره‌ها به‌وضوح مشهود است (تصویر ۵).

با توجه به تعریف سوم ویلیامز از فرهنگ مردمی که آن را

روایت می‌شود، نوع چیدمان عناصر بیشتر جنبه خبری دارد. استفاده از عنوان کاشی‌نگاره و مفاهیمی چون وعظ و خطابه و نمایش حالت دستان عالم، همراه با وجه خبری در کاشی‌ها، نشان از قطعیت خطابه نزد سلطان‌الواعظین دارد.

تمامی افعال در متن از نوع معلوم‌اند و این امر بر مشخص بودن مخاطبان در فرآیند اشاره دارد. این موضوع به شناخت دقیق هنرمند کنشگر از آن‌ها و البته تجربه مستقیم او در این فرایند باز می‌گردد. علاوه بر این، مشخص بودن فاعل چه در مراسم عزاداری و چه در ارتباط با فردی که کنش به‌سوی او انجام می‌گیرد، موجب فهم متن برای مخاطب می‌شود. کنش‌های به‌کاررفته در کاشی‌نگاره، متعلق به روایتی است که به گذشته شیعیان باز می‌گردد. این مجلس با رویکردی نامحسوس به بازگشت به گذشته و با تکیه بر جریان سیال ذهن بازتولید شده است. روایت بر اساس ترتیب تاریخی واقعه عاشورا تا دوران قاجار شکل گرفته است؛ بدین گونه که بازگویی یا بازتولید روایت عاشورا از زبان متخصصان این حوزه در برابر عامه مردم صورت می‌گیرد. در اواخر دوره قاجار و با توجه به وضعیت نابسامان موجود، این بازگشت به گذشته، به دلیل اتفاقات، اضطرابات و تشویش‌های دوران مشروطیت بوده است. زبان علماء، در جهت‌دهی ارزشی (مشارکتی) و شناختی و عاطفی مردم نسبت به نظام سیاسی شیعی نقشی تعیین‌کننده داشته است. در همین بستر، سلسله‌مراتب ارزشی مستتر در نهاد امامت، خود را در مشارکت فرهنگ مردمی نمایانده است. هنرمند کنشگر، با آگاهی از زبان علماء، کوشیده است گفتمان ولایت را در ذهن مخاطبان تثبیت کند. به عبارت دیگر، تسلط کاشی‌نگار بر مبانی ارزشمند سیاست دینی (از طریق نشستن پای منبر علماء) موجب شده تا مخاطب بیشتر تحت نفوذش قرار گیرد و این فرایند به تأثیرگذاری گفتمان منجر می‌شود. هنرمند کنشگر، برای تأکید کلام خود در کنار استفاده از عناصر مثبت (مانند حضور علماء و مکان‌های مقدس)، از افعال منفی (مانند مویه و زاری، قمه‌زنی، اشک ریختن بر مصیبت و...) بهره می‌برد. همچنین، او در بازتولید این مجلس میل به شرح و تفصیل دارد؛ چنان‌که گرایش او در این کاشی‌نگاره به کثرت استفاده از افعال گوناگون (مانند موعظه، خطابه، سینه‌زنی (دودسته)، قمه‌زنی، دل سپردن و توجه کردن نمایان است؛ افعالی که دلالت بر حرکت، تغییر و دگرگونی دارند. به باور باسکار (Bhaskar, 1987, p. 284) لایه‌های متمایز ساختارها و فرایندها/رویدادها را فراهم می‌کنند، به همین دلیل، در رویکرد به واقعیت اجتماعی مشروطیت، باید بین حوزه واقعی، فعلی و تجربی تمایز قائل شد. واقعیت دوران قاجار به کنش انسان و توانایی آن در بازتولید یا تغییر شکل ساختار اجتماعی مربوط می‌شود. هنرمند کنشگر



تصویر ۳. سمت راست: عزاداری و ماتم زنان اهل بیت در جریان حوادث روز عاشورا، ۱۲۲۸، تکیه معاون الملک، کرمانشاه، (www.mehrnews.com)



تصویر ۲. کاشی نگاره ظهر عاشورا، ۱۲۹۶، زینبیه تکیه معاون الملک، ۳۲۰×۲۸۰ سانتی متر، کرمانشاه، (www.mehrnews.com)

ارزش‌های ملی (ایرانی) و دینی (شیعی) را به یکدیگر پیوند می‌زند و در رسانه مردمی (کاشی نگاره) بازتولید می‌کند. در این کاشی نگاره، با توجه به ادبیات پژوهش، چهار نوع تعامل در بازتولید صورت جدیدی از هم‌گشتگی دین در فرهنگ مردمی از طریق رسانه کاشی نگاره‌ها دیده می‌شود: **تعامل دین در فرهنگ مردمی**: این تعامل به دو صورت مضامین دینی (سوگواری بر شهادت مظلومانه امام حسین(ع) و یارانش)، (تصویر ۱ و ۳)، شخصیت‌های مهم ائمه (تصویر ۶) و شخصیت‌های دینی روحانیون زمان تا دوران قاجار (سلطان‌الواعظین، شیخ مفید، شیخ محمدباقر، ملا محمدکاظم و...)، (تصویر ۷) در این کاشی نگاره‌ها برجسته شده است. طبق باور فرکلاف (Fairclough, 2003, p. 20-50)، سوژه‌های گفتمان از طریق زبان بصری، توانایی تعیین الگوی مسیرهای عمل در واقعیت اجتماعی را دارند یا در یک عمل واقع‌گرای انتقادی، می‌توانند با قدرت‌های علی خود بر اصلاح جزئی یا کلی آن حوزه تأثیرگذار باشند. **تعامل فرهنگ مردمی در دین**: با اجتماع دینی در مکان دینی بر رسانه کاشی بازتولید شده که همین تکیه است. سلطان‌الواعظین، روحانی و دوست معاون الملک بود و در ایام عزاداری به ذکر مصیبت می‌پرداخت (سلطان‌الواعظین شیرازی، ۱۳۴۸، ص. ۲۴۵) و (شریف رازی، ۱۳۳۲: ۱۵۱). در کاشی نگاره مجلس وعظ ایشان، تجمع مردمی بازتولید شده است. **تعامل فرهنگ مردمی به مثابه دین**: در این تعامل که به صورت باورها و کردار روزانه در زیست روزمره فرهنگ مردمی تبدیل به یک برساخته اجتماعی مقدس می‌شود، می‌توان به متن زیارت وارث اشاره کرد (تصویر ۸). اساساً زیارت وارث به معنای به ارث بردن است. در این زیارت‌نامه امام حسین(ع) را وارث انبیا اولین و آخرین و اولیا طاهرين قبل از خود معرفی کرده است (بازرگان، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۵).

«آثار و شیوه‌های فعالیت فکری و به‌ویژه هنری» می‌داند، فرهنگ در کاشی نگاره‌ها به مثابه متون و اعمالی در نظر گرفته می‌شود که کارکرد آن‌ها دلالت کردن، تولید یا مناسبتی برای تولید معناست که این نگاه با مفهوم آنچه ساختارگرایان و پس‌اساختارگرایان «عملکردهای دلالت‌کننده» می‌نامند، همپوشانی دارد (Williams, 1998, pp. 48-56). کاشی نگاره، به مثابه شکلی جدید از ارتباط رسانه‌ای، مفروضات مربوط به ارتباطات کلامی و شنیداری را در فرهنگ مردمی عصر خود به چالش می‌کشد و فرهنگ دینی بصری را ممکن می‌سازند (Forbes & Mahan, 2014, pp. 169-173). نتیجه چنین ارتباط رسانه‌ای، توسعه سواد دینی در فرهنگ مردمی دوره قاجار بود. در تاریخ هنر نقاشی دینی، می‌توان به این تأثیر کلیدی توسعه رسانه‌ها اشاره کرد: انتقال نگاره‌های مختص کتاب‌های سلاطین به درون فرهنگ اجتماعی مردم و بر دیوارهای اماکن عمومی. این انتقال نشان می‌دهد که زبان بصری، به عنوان یک وسیله ارتباطی، نقش مؤثری در ترویج عقاید دینی ایفا کرده است. زبان کاشی نگاره‌ها، زبانی مبتکرانه است؛ زبانی که در آن، همه فرق و اختلافات اجتماعی در جامعه ایرانی ذوب می‌شود و کنشگر (هنرمند) بر این امر آگاهی کامل دارد.

عناصر کنشگری عامیانه و محلی (مانند قمه زنی، سینه زنی، مویه و زاری، با جان و دل صحبت از ماجرای امامان شیعیان را شنیدن و ...) از ویژگی‌های کنشگر ایرانی در دوره مشروطه است که بر کاشی نگاره‌ها متجلی شده‌اند. بدیهی است که استفاده از این فرهنگ عامیانه دینی (شریک شدن در مصیبت کربلا)، بی‌پرده‌تر از مراسم رسمی طبقه مرفه و کنشگران حکومتی است. هویت دینی که از طریق رسانه کاشی در تجربه زیسته مردم بازتولید می‌شود، مظهر ایجاد دین مردمی است که به مثابه یک نظام عقیدتی



تصویر ۵. سمت چپ: حضور زنان اهل بیت در بارگاه یزید، قسمتی از تصویر، ۱۲۲۸، تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه، (www.mehrnews.com)



تصویر ۴. بیرون آوردن اهل بیت از خرابه، ۱۲۲۸، تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه (www.mehrnews.com)



تصویر ۶. تصاویری از شخصیت‌های دینی ائمه، ۱۲۹۶، بخش عباسیه، تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه (www.mehrnews.com)

عسگر گاریچی در راه قم، چوب خوردن مجتهد کرمانی حاجی میرزا محمد رضا به دست حاکم کرمان و تبعید او، کتک خوردن تجار قند به وسیله علاءالدین حاکم تهران و سوء تدبیر عین الدوله در حل این بحران و غیره، با استفاده از زبان بصری دینی در کاشی‌نگاره‌ها بهره برده شد. مهم‌ترین مکان رسانه‌ای این دیالوگ در دوران مشروطه، اماکن دینی و به‌ویژه تکیه معاون‌الملک بود (تصویر ۱) که در کاشی‌نگاره‌های آن بازتولید شده است (تصویر ۹). به‌عنوان مثال، سلطان‌الواعظین برای تبیین مسئله ولایت فقها و حل مشکلات ناشی از بی‌کفایتی حکومت (قبلاً بیان شد) با اشاره به مظلومیت امام حسین (ع) در برابر یزیدیان به مظلومیت شیعیان قاجار اشاره و خطبه‌های کوبنده‌ای ایراد می‌کرد. این خطبه‌ها جمعیت را بر می‌انگیخت و در قالب‌هایی چون قمه‌زنی، سینه‌زنی و... شروع به عزاداری پرشور می‌کردند. مطابق تئوری استوری ایدئولوژی حاکم، مجموعه‌ای نظام‌مند از این ایده‌هاست که توسط فرهنگ مردمی بازتولید می‌شود (Storey, 2015, p. 19; Storey, 2010, p. 198). از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، بازتولید شخصیت‌های دینی در کاشی‌نگاره‌ها و بیان مضامین پرشور دینی (مانند جایگاه

با استفاده از منابع اسلامی می‌توان دریافت، آنچه در این زیارت مدنظر است، هم وراثت اشیای مادی و هم اشیای معنوی است. این موارد عبارت‌اند از: مقام خلیفه‌اللهی، علم و غیره. این زیارت مقام ولایت علما را بر مردم نامحسوس بیان می‌کند. هوگو زملمن (Zemelman, 2005, p. 15)، معرفت‌شناس شیلیایی اشاره می‌کند، برای شناخت متن (زیارت وارث) «فکر کردن از دیدگاه سوژه‌ها ضروری است، زیرا آن‌ها نیروی محرکه پیچیده و چندصدایی جامعه را تشکیل می‌دهند». زبان نوشتاری زیارت عاشورا زبان اندیشه حاکم در ذهن علما و به‌ویژه اشرف‌الواعظین است که می‌توان آن را به‌مثابه زبان ناملموس سوژه در نظر گرفت. تعامل دیالوگ دین و فرهنگ مردمی: دیالوگ یا گفت‌وگوی دینی در مکان‌های وابسته به دین برای توده مردمی توسط روحانیون و سلطان‌الواعظین ارائه می‌شد. این دیالوگ زمانی تقویت شد که اجتماع‌های دینی دوران مشروطیت برای تبیین مواضع دینی خود از چهره‌های فرهنگ مردمی (پيامبران، امامان، اندیشمندان دینی، علما، مراجع و روشنفکران دوره مشروطه) برای تبیین مسائل اجتماعی و حل مشکلاتی چون توهین نوز بلژیکی به روحانیت، ماجرای



جدول ۱. مطالعه تحلیلی سطح توصیف بر اساس نظریه فرکلاف در کاشی نگاره. مجلس روضه خوانی مرحوم سلطان الواعظین، تکیه معاون الملک

شناسایی ساختارهای گفتمان مدار در کاشی نگاره های تکیه معاون الملک					
ساختارهای گفتمان مدار سطح توصیف					
روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی)	معلوم یا مجهول بودن عناصر روایت	وجه خبری، پرسشی یا امری عناصر روایت	شناسایی استعاره های موجود در متن	فضای شکل گیری عناصر رسمی یا محاوره ای (عامیانه)	
هم معنایی توجه به بازتولید فرهنگی ولایت فقیه به نیابت از امام به مثابه امر مقدس در زندگی روزمره مردمی (تصویر ۱) توجه به ماجرای مهم دینی واقعه عاشورا (تصویر ۲)، توجه به جایگاه زنان نسبت به روز عاشورا (تصویر ۳ و ۴)، توجه به شخصیت های مهم دینی (تصویر ۵)، توجه به جایگاه علماء دین (تصویر ۶)، توجه به امکان دینی (تصویر ۹).	معلوم سینه زنی، روضه خوانی، مویه و زاری بر شهادت مطلوبانه امام حسین (ع) و حضور مهم اشرف الواعظین (تصویر ۱)، مشخص بودن ماجرای عاشورا (تصویر ۲)، مشخص بودن موقعیت زنان در روز عاشورا (تصویر ۳ تا ۵)، مشخص بودن شخصیت های دین با نوشتار (تصویر ۶)، مشخص بودن شخصیت روحانیون یا نوشتار (تصویر ۷)، مشخص بودن نام اماکن دینی یا نوشتار (تصویر ۹) مجهول نامشخص بودن شخصیت زنان در عاشورا و پوشیده بودن چهره ایشان.	امر شکل جدید ارتباط توأم با اعمال مذهبی (تصویر ۱)، نقش آفرینی زنان و اهمیت وجود آن ها، توجه به امکان دینی و تجمع در آن (تصویر ۹)، تبعیت از عالمان دین و ارثان ولایت (تصویر ۶ و ۷) خبر از واقعه عاشورا و اتفاقات آن (تصویر ۲).	قابلیت توسعه سواد دینی در فرهنگ مردمی قاجار (تصویر ۱ تا ۹)، استعاره ای از زندگی در مقابل مرگ (تصویر ۲)، اهمیت حضور زنان در واقعه عاشورا و تثبیت جایگاه زن در اسلام، استعاره ای از رشادت، مقاومت و فداکاری در راه آرمان (تصویر ۳ تا ۵)، نمادگرایی دین با تأکید بر علماء و امامان (تصویر ۶ و ۷)، امکان دینی استعاره ای از مکان بهشتی، معنویت و ارتباط با خدا (تصویر ۹).	عامیانه عناصر کنشگری عامیانه و محلی (قمه زنی، سینه زنی و...) فرهنگ عامیانه دینی عاشورای ایرانی (تصویر ۱)، حضور زنان (تصویر ۳ تا ۵)، رسمی لشکرکشی روز عاشورا (تصویر ۲)، شخصیت های امامان (تصویر ۶)، شخصیت های علماء (تصویر ۷)، اماکن دینی (تصویر ۹).	بازتولید فرهنگی امر مقدس در زندگی روزمره مردمی
شمول معنایی تجمع در اماکن دینی داخلی و خارجی (تصویر ۹)، استفاده از زبان نوشتاری زیارت و فرهنگ سازی دینی با تأکید بر وراثت دینی (تصویر ۸)، برگزاری عزاداری (تصویر ۱).	معلوم خلق زبان دینی روایت عاشورا، عزاداری، روضه خوانی حضور امامان و روحانیون، اماکن دینی در کاشی نگاره برای تمرین های دینی جهت پرانگیختن حس تعلق دینی و نقش آن در هدایت رفتارهای فرهنگ دینی در زندگی روزمره مردمی برای حفظ و پاسداری فرهنگ دینی در فرهنگ ملی ایرانی.	امر پیوند نظام عقیدتی ارزش های ملی (ایرانی) و دینی (شیعی) با توجه به حضور علمای مطرح با هویت دینی عرب و اماکن دینی خارج از ایران و داخل.	استعاره ای از شیوه های زیسته شناخته شده دینی (تصویر ۱ تا ۵) و استعاره ای از رشد فضایل اخلاقی دینی (تصویر ۶ تا ۸)، تقویت میراث دینی (تصویر ۹).	عامیانه مقابله با هجوم فرهنگی از طریق فرهنگ مردمی ایران منجر به هویت سازی از طریق الگو آفرینی در کاشی نگاره ها.	هویت یابی و ویت سازی دینی در زیست جهان روزمره مردمی
دین در فرهنگ مردمی	هم معنایی هم معنایی در مضامین دینی (تصویر ۱ و ۲)، در سوژه ها (شخصیت های دینی دوره قاجار و قبل از آن) (تصویر ۴)، شخصیت ائمه و معصومین (تصویر ۶)، شمول معنایی شمول معنایی ارزش یکسان بین سوژه های روایت بین زنان و مردان (تصویر ۳ تا ۵)، شمول معنایی در اماکن دینی بستر روایت پردازی دوران قاجار (تصویر ۹).	امر تعیین مسیرهای عمل را در واقعیت اجتماعی یا تأکید بر قدرت های علی خود بر اصلاح جزئی یا کلی آن حوزه.	استعاره ای از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (تصویر ۱ و ۲)، تقویت نهادهای مدنی با حضور زنان (تصویر ۳ تا ۵)، تحکیم هویت ملی و دینی (تصویر ۶ و ۷)، تقویت پایگاه های دینی (تصویر ۹).	رسمی حضور دین در فرهنگ مردمی، اساساً فضایی رسمی برای برگزاری مناسک دینی (روضه خوانی) ایجاد می کند.	همگشتی دین در فرهنگ مردمی از طریق رسانه های مردم پسند (مردمی)
فرهنگ مردمی در دین	شمول معنایی اجتماع دینی در مکان دینی.	امر سوگواری بر عاشورای حسینی (تصویر ۱).	دین مقابل کفر زندگی مقابل مرگ.	عامیانه حضور فرهنگ مردمی در دین فضایی عامیانه را بازتولید می کند (تصویر ۱).	
فرهنگ مردمی به مثابه دین	هم معنایی به صورت باورها و کردار روزانه در زیست روزمره فرهنگ مردمی.	امر تأیید ولایت.	فرهنگ دینی مردمی نوعی بر ساخته اجتماعی مقدس.	عامیانه باور و کردارهای دینی در امور روزمره مردمی به صورت عامیانه.	
گفتگوی دین و فرهنگ مردمی	شمول معنایی در یک مکان دینی برای توده مردمی.	امر دل سپردن به ولایت علماء.	همگانی کردن فعالیت های فرهنگی دینی.	عامیانه استفاده از چهره های فرهنگ مردمی.	



تصویر ۷. تصاویری از نخبگان دینی، ۱۲۹۶، بخش عباسیه، تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه
(www.tasnimnews.com)

نائینی هم‌مسلمان خود را به دلیل کوتاهی در استنباط اصول احکام سیاسی از کتاب و سنت موردانتقاد قرار می‌دهد که چرا به دلیل غاصب پنداشتن حکومت در زمان غیبت و انتظار فرج، از ورود به مسائل سیاسی بازمانده‌اند و صرفاً به استخراج احکام عبادی پرداخته‌اند و درنهایت عامل عقب‌ماندگی ملت خود شدند (نائینی، ۱۳۲۷، ص. ۵۹-۶۰). این عقب‌ماندگی موجب شد مسلمانان تن به استعمار و چپاول از سوی ملل مترقی دهند. بنابراین، بر اساس عقل سلیم، سوژه اصلی (روحانیون) هم باید خودآگاه باشند و هم بر منبر رفته و مردم را آگاه کنند. آگاهی از اسلام و سنت، این امکان را فراهم می‌آورد که مردم تحت رهبری روحانیت می‌توانند در مبانی سیاسی جامعه سهیم باشند. پرداختن به مسئله ولایت علما نیز ناشی از اهمیت نفوذ ریشه‌ای آنان به‌عنوان قشری نیرومند در جامعه‌ای نهفته است که بیشتر افراد آن تا مرز جانبازی آماده قربانی شدن در راه ارزش‌هایی بودند که روحانیت خود را پرچم‌دارش می‌پنداشت (سلطانی ابری، ۱۴۰۱، ص. ۲).

در این میان، نقش ارزشمند اماکن مذهبی مانند تکیه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. تکیه معاون‌الملک با مدیریت فرهنگی طبقات مختلف جامعه، نقش مهمی ایفا کرد. نقش تکیه معاون‌الملک در سازمان‌دهی نهضت‌ها، توجه به مضامین ملی، سنجش مشروعیت و مقبولیت سیاست‌ها و مقابله با ترفندهای گفتمان غرب، در اتحاد و هم‌بستگی ضروری است (قزائتی، ۱۳۹۳، صص. ۱۸۱-۱۷۱). کارکرد سیاسی اماکن مذهبی توسط اندیشمندان در این دوران اثبات شده است (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، صص. ۱۷۷-۱۷۸؛ سپهر، ۱۳۷۷، ص. ۳۲۸؛ وامبری، ۱۳۸۷، ص. ۴۵۶).

در یکی از کاشی‌نگاره، سلطان‌الواعظین به‌عنوان نماینده روحانیت، بر منبر رفته و پس از خطابه و آگاه کردن مردم، شروع به روضه‌خوانی کرده و از مصیبت امام حسین (ع) می‌گوید. علما تداعی‌کننده مأموریت امامان شیعی‌اند و در مواردی یاریگر، فریادرس، کمک‌کننده و حامی مردم

علما و عزاداری عاشورا) و همچنین تأکید بر هویت ملی و دینی در کاشی‌نگاره‌ها، ذهن مخاطب را متوجه هویت شیعی می‌کند و نشان می‌دهد که کاشی‌نگار (کنشگر) با بیان این مفاهیم، درصدد دفاع از هویت خویش، مردم و نگرش دینی خود است.

نوشتار، به‌عنوان عنصری مهم، نخستین عاملی است که توجه خواننده را جلب کرده و او را به‌سوی محتوای کاشی‌نگاره‌ها هدایت می‌کند. انتخاب این نام توسط کاشی‌نگار عامدانه و با این قصد صورت گرفته است که مخاطب را به محتوای اثر هدایت کند و این موضوع نشانگر نگاه ایدئولوژیک کاشی‌نگار است. مهم‌ترین موارد در سطح توصیف به‌طور خلاصه در جدول ۱ آمده است.

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست دینی فرهنگ مردمی در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک (سطح تفسیر: بافت موقعیتی)

روایت کاشی‌نگاره‌ها، شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی در عصر مشروطه را بازتولید می‌کند. رشد گفتمان غربی در دوره قاجار، به‌ویژه در اواخر آن، باعث شد گفتمان علمای شیعه در چارچوب گفتمان امامت، دستخوش تحولاتی شود. برخلاف علمای مشروطه‌خواه، گفتمان علمای مشروطه‌خواه از پذیرش تأثیرپذیری از غرب، ابایی نداشت. این گروه، گفتمان غربی را وامدار اسلام و مسلمانان نشان می‌دادند. نائینی، نظریه‌پرداز این گفتمان، معتقد بود مؤلفه‌های گفتمان غربی مانند نظام شورایی، مجلس، قانون، آزادی، برابری و رأی اکثریت، اموری نیستند که بشر به‌تنهایی قادر به درک آن‌ها باشد (نائینی، ۱۳۲۷، ص. ۳). به باور او، غربیان این اصول را از منابع مهم اسلامی اقتباس کردند و خود نیز بر این ادعا اقرار دارند و در اجرای سیاست برگرفته از اسلام بسیار پیشرفت کردند؛ اما مسلمانان (علما) به دلایلی از توسل و تعمق در منابع دینی و به‌کارگیری قوه عقل و استنباط غافل ماندند.



تصویر ۸. مجلس روضه خوانی مرحوم سلطان الواعظین، بخشی از تصویر، محل قرار گرفتن زیارت وارث، ۱۲۹۶، بخش عباسیه، تکیه معاون الملک، کرمانشاه (www.tasnimnews.com)

چاره‌جویی و تدبیر و هماهنگی با مسائل غربی است، برای هژمونیک شدن موقعیت خود تلاش می‌کند و مجبورند به زیست روزمره خود ادامه دهند و از هویت خود دفاع کنند. از این رو ناگزیرند یا خود را با استعمار هماهنگ کنند و یا در برابر آن مقاومت کرده و از هویت خویش دفاع کنند یا بین هویت خویش و بیگانه سرگردان بمانند و به اسارت بیگانه بیندیشند. این موضوع، در فرهنگ سیاسی ایران قاجار نیز تأثیرات خاص خود را داشت، به گونه‌ای که در دوران مشروطیت، مردم نه تنها امام خویش را رها نکردند، بلکه با همت و حضور فعال در انقلاب مشروطه و حتی پیش از آن در قیام تنباکو، سهیم شده و از رهبران خود حمایت کردند و این اقدام آنان گواهی بر بصیرت و عبرت‌آموزی از حوادث عاشورا و وقایع بعد از آن است.

مارکس (Marx, 2014, p. 151) در پایان‌نامه یازدهم خود درباره فوئرباخ^۱ بیان می‌کند که بیش از تفسیر جهان، وظیفه بشریت دگرگونی آن است، از طریق عمل. او باید حقیقت، واقعیت و قدرت را به عنوان محصول شرایط بپذیرد تا رویه‌ای انقلابی و دگرگون‌کننده داشته باشد. این نگرش را به وضوح می‌توان در فرهنگ مردمی اواخر دوره قاجار مشاهده کرد. در روایت کاشی‌نگارها نیز بافت موقعیتی تقریباً یکسانی دیده می‌شود. برای نمونه، در تصویر ۱، به جز سلطان الواعظین که نسبت به دیگر شخصیت‌ها جایگاهی فرادست دارد، باقی مردم از نظر فاصله طبقاتی و جایگاه اجتماعی هم‌پایه هستند و ارتباط بین‌شان بیشتر تعاملی است. نورمن فرکلایف در مدل تحلیل گفتمان انتقادی خود، تولید معنا را بر اساس بُعد سازنده فرآیندهای انتخاب و رابطه بین‌شان بیان می‌کند که جنبه‌ای اساسی برای بازتولید و دگرگونی روابط اجتماعی دارند (Fairclough, et al., 2007). از آنجاکه ساختارهای واقعیت اجتماعی کاشی‌نگاره (تصویر ۲) دارای بُعد تنهایی برای نشان دادن مظلومیت امام حسین (ع) است، حضور موضوعات مرتبط (تصویر ۳ و ۴) در روابط پیچیده و در شرایط مختلف

هستند. این نمونه دین در فرهنگ مردمی نشان‌دهنده تلاقی دین و فرهنگ مردمی در جهان مدرن قاجاری است. سیاستی که در این کاشی‌نگاره قابل خوانش است، نوعی «سیاست هویت - مقاومت فرهنگی» است. برای درک این سیاست باید به فضای سیاسی عصر قاجار توجه کرد که در آن، سیاست جهانی (غرب) به شکل فراملی و فرامحلی عمل می‌کرد. در واکنش به این فضا، فعالیت‌هایی در سطح محلی (ایران قاجار) برای مقابله با این سیاست فرهنگی ظهور یافت که داعیه هویت مقاومتی در برابر سلطه فرهنگی گفتمان غرب داشت. نمادهای این کنش‌ها در کاشی‌نگارها عبارت‌اند از: تلاش برای آزادی فرهنگی با یکی شدن همه فرقه‌ها در جامعه به صورت کنار هم قرار گرفتن طبقات مردمی (تصویر ۱) و بازتولید واقعه عاشورا نمادی از نفی حاکمیت طاغوت و اجتناب از بیعت با حاکم باطل و طاغوت زمان به صورت مقاومت (تصویر ۲)، کوشش برای تلفیق هویت جدید فرهنگی به منظور استقامت و پایداری در پیروی از امام و رهبری، قیام در برابر گفتمان غرب با تمرکز بر هویت دینی عرب (تصویر ۳ تا ۶) به همراه هویت ایرانی (تصویر ۷)، درس مقاومت در راه رسیدن به اهداف با بازتولید زینب کبرا (س) در بارگاه یزید که با صدای رسا همه این مصیبت‌ها را که هر کدام از آن‌ها می‌تواند کمر انسانی را خم کند، به جای بی‌تابی و زاری و ناله فرمود: جز زیبایی چیز دیگری ندیدم. تعبیر زیبایی از مصیبت‌ها نه به دلیل ذات زیبای مصیبت است که اساساً ذات مصیبت، جز سیاهی و زشتی چیز دیگری نمی‌تواند باشد، اما زمانی که همه این مصیبت‌ها برای هدف مقدس صورت گرفته و تحمل شده باشد قطعاً جز زیبایی تعبیر دیگری نمی‌توان برای آن به کار برد (تصویر ۵)، این هویت ملی دینی ایرانی گونه‌ای مقاومت فرهنگی است که آزادی، برابری، رهایی را با بازآفرینی عناصر فرهنگی ایرانی رقم می‌زند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۵۴).

مردم در این اوضاع نابسامان که هم گفتمان غربی در حال هژمونیک شدن است و هم گفتمان ولایت شیعی در حال



تصویر ۹. تصاویری از اماکن دینی، ۱۲۹۶، بخش حسینی، تکیه معاون‌الملک، کرمانشاه (www.tasnimnews.com)

این بازاندیشی در قالب بینامتنیت در کاشی‌نگاره مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ استفاده از نوشتار عربی زیارت وارث موجب به وجود آمدن بینامتنیت عرب در کاشی نگاره شده است (تصویر ۱). به کارگیری ابیاتی از شاعرانی مانند واله کرمانشاهی سبب به وجود آمدن بینامتنیت ادبی در کاشی نگاره شده است (تصویر ۱). تصویرپردازی ایرانی با مؤلفه‌های هنر دوره قاجار باعث به وجود آمدن بینامتنیت ایرانی شده است. سه مؤلفه مهم نقاشی در دوره قاجار که گودرزی (دیباج) (۱۳۸۴، ص. ۶۷) به آن اشاره می‌کند قابل ارزیابی است: قطع نشدن ارتباط با تمدن کهن اسلامی، وابستگی به عناصر غربی و حضور عناصر مردمی. یکی از شاخصه‌های غربی، دورنمایی از منظره است (تصویر ۱ تا ۹).

همچنین، عناصر نگارگری ایرانی - اسلامی مانند طراحی شخصیت‌ها، دورگیری و رنگ‌آمیزی، نمایش چهره‌ها به حالت سهرخ و نحوه نشستن اشخاص، قابل ارزیابی است. جایگاه بزرگ شخصیت‌ها ردپایی از عناصر ایران باستان دارد (تصویر ۱ و ۲). وجه فرهنگی‌مآبانه در عناصری چون تناسب بدن انسان، پرده آرای (تصویر ۷)، هاشورها، چین و شکن لباس‌ها خود را نشان داده است (شیرازی و موسوی‌لر، ۱۳۹۵، ص. ۲۶). استفاده از افعال مرتبط با سوگواری عاشورا، بازتولید واقعه عاشورا (تصویر ۲ تا ۶) و نمایش آیین‌هایی مانند سینه‌زنی، قمه‌زنی که در دوره قاجار رواج داشت، موجب به وجود آمدن بینامتنیت شیعی شده است. هنرمند کنشگر، با تلفیق این بینامتنیت‌ها و بازخوانی تاریخ گذشته و با تکیه بر خلاقیت خود و گفتمان‌های مختلف، به خلق گفتمانی جدید برای بیان شرایط اجتماعی و سیاسی دینی آن دوران دست‌یافته است. مطابق با دیدگاه موله‌رن (Mulhern, 2000, p. 170)، عناصری چون سلطه، هویت و مقاومت که به بازآفرینی فرهنگی وجهی سیاسی می‌بخشند، نوعی گفتمان فرا فرهنگی پدید می‌آورند که ریشه در بحران سنت دارد.

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست دینی فرهنگ مردمی در

(بازتولید شخصیت امامان و علما تک پیکر یا با پیکره اندک) این تنهایی را با تأکید بیشتر بازتولید می‌کند (Zemelman, Merino, 2010, p. 27).

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست دینی فرهنگ مردمی در کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک: سطح تفسیر (بافت بینامتنی)

فرکلاف با توجه به رویکردهای باختین (Bakhtin, 2008) به بینامتنیت اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. هیچ متنی در خلأ زبانی ظاهر نمی‌شود، بلکه ظهور آن واکنشی نسبت به/علیه سایر متن‌های موجود، فرض می‌شود (Bakhtin, 2008, p. 235). برای کاشی‌نگار، نشانه‌ها، نشان‌دهنده بستر اولیه مبارزه طبقاتی است. بنابراین، استفاده از زبان یک امر برجسته ایدئولوژیک است. گیدنزا یادآوری می‌کند که گفتمان غربی جهانی است. پیامد این گفتمان جهانی، حذف گفتمان‌های محلی (مانند گفتمان علمای مشروطه‌خواه، مشروطه‌خواه و سنتی) است و مدعای سیطره جهانی دارد. در مقابل، گفتمان‌های فرهنگی - دینی ایران که قائل بر متافیزیک خاصی است که بر تقدس سنت‌ها تأکید کرده، از هویت فرهنگی دینی خود دفاع می‌کنند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۴۸). در اینجا، بازاندیشی در گذشته از طریق گفتمان علمای مشروطه صورت می‌پذیرد. این بازاندیشی از تجارب گذشتگان به شکل بینامتنی در کاشی نگاره متجلی شده است. روایت‌های دینی، نقشی تعیین‌کننده در ساختن معناها و هویت‌ها دارند که منجر به هویت‌یابی‌ها و هویت‌سازی‌ها مقابل گفتمان حکومت می‌شود. این هویت‌های فرهنگی که محوریت دین در آن‌ها هویداست، تعیین‌کننده کیستی و چپستی فرد است؛ به این صورت نوعی هویت-مقاومت فرهنگی دینی به وجود می‌آید که ابعادی نو از سیاست فرهنگی است. به عبارتی همان سیاست‌های زندگی، ایمنی، آزادی، حق دخالت در سیاست جامعه که نوعی بازاندیشی فرهنگی سیاست هم محسوب می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۷۶).



روزمره مردمی نهاده می‌شود؛ اما از وجه اجتماعی-سیاسی هم شایسته ارزیابی است. بر این اساس محوریت فرهنگ دینی بازتولید شده در کاشی‌نگارها، مظهر ایجاد نوعی دین فرهنگی مردمی با بار سیاسی است که به مثابه یک نظام عقیدتی ارزش‌های ملی و دینی را به یکدیگر پیوند می‌زند و در فرهنگ روزمره مردمی به صورت مبارزه با مفاسد اجتماعی، مقابله با هجوم فرهنگی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بازتولید می‌شود. واکاوی متون گفتمانی کاشی‌نگارهای موردبررسی در این پژوهش، در بردارنده چند نکته کلیدی در زمینه شفاف ساختن غایت و هدف مطلوب گفتمانی است، از جمله ارجاع نشانه‌ای به سوژه‌های فرهنگی کاشی‌نگارها که جهت‌گیری گفتمانی این سیاست الگوسازی فرهنگی است.

تحلیل گفتمان انتقادی سیاست دینی فرهنگ مردمی در کاشی‌نگارهای تکیه معاون‌الملک سطح تبیین: غایت گفتمانی سیاست دینی و فرهنگ مردمی

سیاست‌های این گفتمان فرهنگی ناظر به چشم‌اندازهای فرهنگی است که در پی تعریف و تعیین معنا و هویت‌ها هستند. از این منظر، متون گفتمانی کاشی‌نگارها در فرهنگ مردمی حاوی چشم‌انداز جالبی‌اند که ماهیتاً سیاست‌هایی دینی را دنبال می‌کنند. نمونه‌هایی از این چشم‌اندازها عبارت‌اند از: گسترش مراکز دینی (تصویر ۹)، بازتولید سیاست دینی در کاشی‌نگارها به مثابه گفتمان هنر دینی، ترویج فرهنگ دینی (با تأکید بر مصائب مهم امامان شیعیان، تقویت نهادهای مدنی) وجود زنان و کودکان در کاشی‌نگارها (تصویر ۱ تا ۵)، بازسازی نمادهای دینی و فرهنگی. تأکید بر میراث فرهنگ دینی، ایجاد فضاهای فرهنگی مردمی دینی. تقویت پایگاه‌های دینی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (تصویر ۱ و ۲)، بسط مشارکت فرهنگی (رفتن به عزاداری و گوش سپردن به صحبت‌های علما به مثابه امر مقدس) به منظور تحکیم هویت ملی دینی. نکته حائز اهمیت، تأکید بر سه عامل بافت، زمینه اصلی و مرجع هرگونه سیاست دینی است (نائینی، ۱۳۲۷، ص. ۵۰). در این کاشی‌نگارها، این سه مؤلفه مهم به وضوح نمایان است: بافت کاشی (تکیه معاون‌الملک)؛ زمینه اصلی (ایران دوره قاجار)، مرجع (روحانیت). این سه، شالوده سیاست دینی ایرانی را نشان می‌دهد. تحلیل گفتمانی جهت‌گیری و سوژه‌های گفتمانی این سیاست دینی نشان می‌دهد که غایت اصلی گفتمان سیاست دینی بر ساختن شبکه‌ای از هنجارهای دینی-سیاسی بر یک رسانه جدید (کاشی) است. این فرایند گفتمانی با تولید کنش‌ها، بازتولید کردارهای خاص در زمینه ارادت دینی و نیز نظارت و کنترل بر این کنش‌های فرهنگی همراه است. رسانه‌های جدیدی مانند کاشی‌نگارها برای تشویق نظرات و

کاشی‌نگارهای تکیه معاون‌الملک

سطح تبیین: بازتولید گفتمان سیاست دینی فرهنگ مردمی

سلطان‌الواعظین (تصویر ۱) به بازتولید سیاست گفتمان دینی (تصویر ۲) می‌پردازد که ریشه در گذشته، به‌ویژه در واقعه عاشورا و سپس در آثار اندیشمندانی مانند شیخ مفید، حاجی محمدباقر، ملا محمدکاظم و دیگران (تصویر ۷) دارد و در دوره مشروطه توسط نائینی به تکامل رسیده است. او با محکوم کردن اقدامات حکومت استبدادی (تصویر ۵) (که مجلس یزید نماد آن است)، به توجیه اهمیت وجود علما و نقش مردم پرداخته (سلطان‌الواعظین شیرازی، ۱۳۹۴، صص. ۹۲-۱۵۰) و با این استدلال که گفتمان غرب دیر یا زود ایران را اشغال خواهد کرد، بر ضرورت پیروی از روحانیت و علما به عنوان نائبان امام (تصویر ۳) در جامعه دارد و به این ترتیب به بازتولید گفتمان سیاست دینی در فرهنگ مردمی می‌پردازد. سلطان‌الواعظین به بازتولید هویتی می‌پردازد که نائینی درصدد تثویز کردن آن بود. نائینی سعی کرد حضور مردم در سیاست را از منظر اسلام تثویز کند و یک هویت دینی مردمی ایرانی را توسعه دهد. سلطان‌الواعظین نیز که پیرو نائینی بود، همچون استادش نائینی، مشارکت سیاسی مردم در نهضت مشروطیت را مقابل حکومت استبدادی، حقشان می‌دانست؛ و با استدلال‌های قوی دینی از آن دفاع کرد (نائینی، ۱۳۲۷، صص. ۱۱-۱۲).

آگاهی بخشی به مردم توسط علما صورت می‌گرفت که یکی از کانون‌های اصلی این دیالوگ، اماکن دینی (تصویر ۹) بودند. تکیه معاون‌الملک به عنوان یکی از پایگاه‌های سیاست گفتمان دینی، بر نقش علما و روحانیون و اهمیت جایگاه‌شان بر مردم اشاره دارد. پروژه ساخت هویت دینی ایرانی از طریق علما، در بطن سیاست فرهنگی مردم جای داشت. سیاست دینی (ولایت سیاسی بر مردم) در این کاشی‌نگارها چند مؤلفه کلیدی را در فرایند هویت‌یابی-هویت‌سازی نمایان می‌کند: اول وجه فقهی این سیاست فرهنگی است؛ تقویت وجه اعتقادی مردم از طریق مجالس سوگواری بر مصائب اهل بیت (تصویر ۱ تا ۵)، امر به معروف و نهی از منکر توسط علما بر منبر (مانند موعظه، روضه‌خوانی و مداحی)، تقویت پایگاه‌های دینی (تصویر ۹)، تبلیغات دینی که غیر از گفت‌وگو، از طریق نقش بستن بر کاشی‌ها وارد زیست روزمره مردمی شده و به یک برساخته مقدس تبدیل می‌شود که منجر به تقویت و تحریک حس دینی فرهنگ مردمی شده و آنان را به باورها و کردارهای دینی بدون حضور واعظان دین، سوق می‌دهد. دوم این سیاست‌ها متمرکز بر تزکیه اخلاقی، الگوهای کمال اخلاقی از طریق شخصیت‌های برجسته دینی (تصویر ۱ و ۶)، به صورت امر مقدس و هویت دینی در زیست جهان

پشتیبانی در نظر گرفته شده‌اند (Forbes & Mahan, 2014, p. 78). گفتمان سیاست دینی که به تدریج توسط علما در جامعه ایران شکل گرفت، گفتمانی مردمی و بصری است. غایت این سیاست فرهنگی در کاشی‌نگاره، هنجار سازی دینی- سیاسی است. در این فرایند که همراه با تولید کنش‌های مختلف، بازتولید کردارها و اعمال نظارت است، نوعی هنجار سازی فرهنگی اتفاق افتاده است. این هنجار سازی فرهنگی در زمینه مناسب دوره مشروطه و نیز تأکید بر مکان دینی، غایتی از کمال‌گرایی دینی پیدا کرده است.

نتیجه

با توجه به ماهیت دینی گفتمان فرهنگی کاشی‌نگاره‌های دینی تکیه معاون‌الملک و تأکید آن بر آموزه‌های تشیع، این پژوهش کاشی‌نگاره‌های روایی دینی را به مثابه متن گفتمانی بررسی کرد. در این راستا، نه تنها نیاز به توسعه ابزارهای تفسیری اجتماعی- زبانی در چارچوب نظریه فرکلان وجود داشت، بلکه از ظرفیت‌های پیشنهادی او و دستورالعمل‌های عملی جدید برای آشکار سازی تضادهای درونی متن نیز بهره گرفته شد. در پاسخ به سؤالات پژوهش مشخص شد که سیاست‌های دینی فرهنگ مردمی از دو بُعد قابل بررسی‌اند: بُعد چشم‌اندازی که به بازتولید کنش فرهنگی (بازتولید کنش‌های دینی موجود بر کاشی‌نگاره‌ها) می‌پردازد و بُعد راهبردی که نظارت بر این کنش را عهده‌دار بوده و حتی از منظری تاریخی، در آرای علمایی که بازتولید آن‌ها بر کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک تصویر شده، تداوم داشته است. ماهیت این سیاست‌های دینی در دوران مشروطه، به صورت هویت و مقاومت فرهنگی بازتولید شده و شکلی از یک گفتمان فرهنگی بصری به خود گرفته است. این گفتمان فرهنگی، همان متون کاشی‌نگاره‌های تکیه معاون‌الملک به مثابه رسانه مردمی است. کاشی‌نگاره‌های دینی این تکیه به عنوان گفتمان فرهنگی بصری، از ویژگی‌های اجتماعی خاصی برخوردارند؛ از جمله کل‌گرایی، تأکید بر ولایت علما به مثابه کارگزاران دینی، بنیادگرایی فقهی و جهت‌گیری دینی. گفتمان کاوی انتقادی این گفتمان دینی- فرهنگی در ایران دوره مشروطه نشان‌دهنده تحولی در زمینه فقه سیاسی علما و بازتولید این سیاست در قالب کاشی‌نگاره‌ها به عنوان رسانه‌ای جدید است. این گفتمان فرهنگی با تکیه بر سیاست‌های فقهی - اجتماعی، در فرهنگ مردمی به صورت بازتولید مجالس وعظ و خطابه بر مردم ایران (تصویر ۱)، حضور در اماکن دینی (تصویر ۹)، جهت‌گیری به سمت هویت سازی دینی (نوعی گفتمان فرهنگی شیعی سوگوار و عزاداری برای امامان) (تصویر ۲)، مدافعان حق (تصویر ۳ تا ۵) و تأکید بر مقام والای ولایت علما بر فرهنگ مردمی (تصویر ۷) و مقاومت فرهنگی مردم در برابر گفتمان غربی بروز یافته است. این جهت‌گیری با محوریت دین‌مدارتر شدن فرهنگ مردمی و جامعیت سیاسی یافتن کنشگران مردمی که علمای طراز اول دوران مشروطه را در کاشی‌نگاره‌ها برجسته می‌سازد، مشاهده می‌شود. در نهایت، غایت این گفتمان، ایجاد نوعی شبکه هنجار سازی بصری در فرهنگ مردمی است.

تشکر و تقدیر

این مقاله حاصل یک پژوهش مستقل است که تحت حمایت هیچ سازمانی نبوده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارد که در خصوص انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی، از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار وارسال مجدد و مکرر و همچنین، سیاست مجله در قبال استفاده از هوش مصنوعی از سوی نویسنده رعایت شده است.



منابع و مآخذ

- اعظام قدسی، ح. (۱۳۷۹). *خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران*. کارنگ
<https://tinyurl.com/23um66a9>
- بازرگان، ع. (۱۳۷۵). *حسین وارث و پوینده راه انبیا: عرضه قیام حسینی به قرآن* [مقاله کنفرانسی].
مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا، (دفتر ۲، ص. ۱۳۵)
<http://www.imam-khomeini.ir/fa/Bazargan>
- پنجه‌باشی، ا.، و فرهد، ف. (۱۳۹۴). *مطالعه نقوش مذهبی در کاشی‌های تکیه معاون‌الملک*. نگارینه
هنر اسلامی، ۲(۷۸)، ۲۹-۱۵.
- <https://doi.org/10.22077/nia.2017.742.1021>
- جمال‌زاده، ن. (۱۳۸۳). *تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت (قسمت دوم)*. دین و ارتباطات، ۸(۴)،
۱۷۷-۲۰۲.
- <https://ensani.ir/fa/article/60502/Jamalzadeh1383>
- سپهر، م. م. (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ (ج. کیانفر، محقق)*. اساطیر
<https://fa.wikinoor.ir/wiki/Nasekh>
- سلطان‌الواعظین شیرازی، م. (۱۳۴۸). *صد مقاله سلطانی (راهنمای یهود و نصاری و مسلمین در
معرفت تورات و انجیل و قرآن مجید)*. کتاب‌فروشی اسلامیة
<https://fa.wikinoor.ir/wiki/Soltan1348>
- سلطان‌الواعظین شیرازی، م. (۱۳۹۴). *شب‌های پیشاور*. انتشارات پر
<http://www.parnashr.ir/Pishavar1394>
- سلطانی ابری، م. س.، زاهد، ف.، و ثقفی نژاد، س. م. (۱۴۰۱). *بازخوانی مواضع روحانیت در انتقال
قدرت از قاجاریه به پهلوی*. تاریخ ایران، ۱۵(۱)، ۲۳-۱.
- <https://doi.org/10.52547/irhj.15.1.1>
- شایسته‌فر، م. (۱۳۹۰). *انعکاس مضامین سوره یوسف در نقاشی‌های دیواری عباسیه تکیه
معاون‌الملک کرمانشاه*. کتاب ماه هنر، ۱۵۹(۱)، ۵۴-۶۳.
<http://noo.rs/m0c9U>
- شریف رازی، م. (۱۳۳۲). *آثار الحجة*. کتاب‌فروشی برقی.
- <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Asaralhojaj>
- شهبازی، س.، و شهبازی، س. (۱۳۸۱). *تکیه معاون‌الملک، جلوه‌گاه هنر مذهبی و حماسی و چهره‌های
تاریخی ایران*. کتاب ماه هنر، ۱۰۳ و ۱۰۴، ۵۱-۴۶.
- <https://ensani.ir/fa/article/90357/Tekyeh1381>
- شیرازی، م.، و موسوی لر، الف. (۱۳۹۵). *بازیابی لایه‌های هویتی در هنر دوره قاجار (مطالعه
موردی روی کاشی‌های دوره قاجار)*. نگره، ۱۲(۴۱)، ۳۰-۱۷.
- <https://doi.org/10.22070/negareh.2017.483>
- قرائتی، ح. (۱۳۹۳). *نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی
موردی تهران*. تاریخ اسلام، ۱۵(۴)، ۱۷۱-۱۹۸.
- https://hiq.bou.ac.ir/article_14416.html
- گودرزی (دیباچ)، م. (۱۳۸۴). *تاریخ نقاشی ایران*. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
(سمت).
- <https://samt.ac.ir/fa/book/1402/PaintingGoodarzi>
- مهدی‌آبادی، م.، و خدیوی، س. (۱۳۸۱). *تغییرات در معماری و تزئینات تکیه معاون‌الملک*

کرمانشاه. فصلنامه اثر، ۲۳ (۳۳ و ۳۴)، ۱۰۰-۱۴۵.

<https://journal.richt.ir/athar/article-1-212-fa.html>

نائینی، م. ح. (۱۳۲۷). تنبیه الامه و تنزیه المله (س. م. طالقانی، مصحح). شرکت سهامی انتشار.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/Naeeni>

نجاتی حسینی، س. م. (۱۳۸۶). سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه (۸۸-۱۳۶۸). دین و ارتباطات، ۱۴ (۳۲)، ۴۷-۷۷.

<https://doi.org/10.30497/rc.2008.1380>

وامبری، آ. (۱۳۸۷). سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه (ف. خواجه‌نوریان، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/vambery1>

Reference

Bakhtin, M. (1986). *Speech Genres and Other Late Essays* (V.W. McGee. & M. Holquist, Eds.). University of Texas Press. <https://utpress.utexas.edu/9780292775602>

Bakhtin, M. (2008). *Aesthetics of Verbal Creation*. Buenos Aires: Twenty-first century.

Bazargan, A. (1996). *Hussein, the heir and follower of the prophets' path: Presenting the uprising of Hussein to the Quran* [Conference Paper]. Collection of articles from the Second International Congress on Imam Khomeini (s) and the Culture of Ashura, (Vol. 2, p. 135). <http://www.imam-khomeini.ir/fa/Bazargan> [In Persian].

Bhaskar, R. (1987). *Scientific Realism and Human Emancipation*. Verso. <https://www.amazon.de/-/en/Scientific-Realism-Human-Emancipation-Bhaskar/dp/0860911438>

Chouliaraki, L. & Fairclough, N. (1999). *Discourse in the Late Modernity*. University Press. https://books.google.de/books/about/Discourse_in_Late_Modernity.html?id=u3mQfYAyrbYC&redir_esc=y

Cornejo, R., Albornoz, N., & Palacios, D. (2016). *Subjetividad, realidad y discurso: Entre el determinismo estructuralista y el construccionismo social*. Cinta de Moebio *Revista de Epistemología de Ciencias Sociales*, (56). 121– 135. https://www.scielo.cl/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0717-554X2016000200001

E'zam Qodsi, H. (2000). *Memoirs of My Life or the 100-Year History of Iran*. Karang. <https://tinyurl.com/23um66a9> [In Persian].

Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/core/journals/language-in-society/article/abs/1989>

Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/core/journals/language-in-society/article/abs/norman1992>



- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: the Critical Study of Language*. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/1995Fairclough>
- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. Routledge. <https://howardaudio.wordpress.com/wp-content/uploads/2018/01/n-fairclough-analysing-discourse.pdf>
- Fairclough, N. (2005). Peripheral vision: discourse analysis in organization studies: the case for critical realism. *Organization Studies*, 26(6), 915 – 938. <https://doi.org/10.1177/0170840605054610>
- Fairclough, N. (2014). *Critical Language Awareness*. Routledge. https://books.google.de/books?id=IHDXAwAAQBAJ&hl=de&source=gbp_book_other_versions
- Fairclough, N. (2018). *CDA as dialectical reasoning*. In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *The Routledge Handbook of Critical Discourse Studies* (pp. 18– 38). Routledge. <https://www.routledge.com/The-Routledge-Handbook-of-Critical-Discourse-Studies/Flowerdew2018f>
- Fairclough, N. Jessop, B. & Sayer, A. (2007). *Critical realism and semiosis*. *Journal of Critical Realism*. 5, 1. 2 – 10.
- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977* (C. Gordon, Ed.; C. Gordon, L. Marshall, J. Mepham, & K. Soper, Trans.). Harvester Press. https://monoskop.org/images/5/5d/Foucault_Michel_Power_Knowledge_Selected_Interviews_and_Other_Writings_1972-1977.pdf
- Forbes, B. (2017). Introduction: Finding Religion in Unexpected Places. In B. Forbes & J. Mahan (Ed.), *Religion and Popular Culture in America* (3rd ed.) (pp. 1-24). University of California Press. <https://doi.org/10.1515/9780520965225-002>
- Forbes, B. D., & Mahan, J. H. (Eds.). (2017). *Religion and popular culture in America* (3rd ed.). University of California Press. <https://www.ucpress.edu/books/religion-and-popular-culture-in-america-third-edition/paper>
- Goodarzi (Dibaj), M. (2005). *Tarikh-e Naghashi-ye Iran* [History of Iranian painting]. Organization for Research and Composing University Textbooks in Islamic and Human Sciences (SAMT). <https://samt.ac.ir/fa/book/1402/PaintingGoodarzi> [In Persian].
- Jamalzadeh, N. (2004). The discursive diversity of Shiite scholars in the Constitutional era (Part Two). *Din va Ertebataat*, 8(4), 177-202. <https://ensani.ir/fa/article/60502/Jamalzadeh1383> [In Persian].
- Mahan, J. (2006). Exploring the research agenda for theology, religion and popular

- culture: report of a panel discussion at the American Academy of Religion. *Journal of Religion and Popular Culture*, 12(1), p. 6. <https://doi.org/10.3138/jrpc.12.1.006>
- Marx, K. (2008). *El Capital. Crítica de la economía política. Libro I, Tomo I*. Akal. https://biblioteca.ciesas.edu.mx/wp-content/uploads/2024/01/Marx_El-capital_Tomo-1_Vol-1.pdf
- Mehdiabadi, M., & Khadivi, S. (2002). Changes in the architecture and decorations of Takieh Mo'aven al-Molk, Kermanshah. *Athar*, 23(33-34), 100-145. <https://journal.richt.ir/athar/article-1-212-fa.html> [In Persian].
- Mulhern, F. (2000). *Culture/ Meta Culture*. Rutledge. <https://www.routledge.com/CultureMetaculture/Mulhern/p/book/9780415102308?srsId=AfmBOorNgESpL8x8IDjc4wlYIVBKfeM1A-kB-r6aXfANIF53rphQAvYe>
- Naini, M. H. (1948). *Tanbih al-Ummah va Tanzih al-Milla* (S. M. Taleqani, Ed.). Sherkat-e Sahami-e Enteshar. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Naeeni> [In Persian].
- Nejati Hosseini, S. M. (2008). Religious politics and popular culture in Iran: A critical discourse analysis of development plans (1988-2008). *Religion & Communication*, 14(32), 47-77. <https://doi.org/10.30497/rc.2008.1380> [In Persian].
- Panjehbashi, E., & Farhad, F. (2015). To study the designs having religious theme on the tiles of Mo'aven-ol- Molk Tekyeh. *Negarineh Islamic Art*, 2(7.8), 15-29. <https://doi.org/10.22077/nia.2017.742.1021> [In Persian].
- Qara'ati, H. (2015). The role of religious places in the social and political discourses of Qajar Era, case study of Tehran. *History of Islam*, 15(60), 171-198. https://hiq.bou.ac.ir/article_14416.html?lang=en [In Persian].
- Sepehr, M. M. (1998). *Nasekh al-Tavarikh* (J. Kianfar, Ed.). Asatir. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Nasekh> [In Persian].
- Shahbazi, S., & Shahbazi, S. (2002). Takyeh Mo'aven al-Molk, a manifestation of religious and epic art and historical figures of Iran. *Ketab-e Mahe Honar*, (103 & 104), 46-51. <https://ensani.ir/fa/article/90357/Tekyeh1381> [In Persian].
- Sharif Razi, M. (1953). *Asar al-Hujjah*. Borqei Bookstore. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Asaralhojaj> [In Persian].
- Shayestehfar, M. (2011). The reflection of motifs from the Surah of Yusuf in the murals of Abbasieh Tekyeh, Kermanshah. *Ketab-e Mahe Honar*, (159), 54-63. <http://noo.rs/m0c9U> [In Persian].
- Shirazi, M., & Mousavilar, A. (2017). Retrieval of identity layers in Qajar Era (case study: ceramics). *Negareh Journal*, 12(41), 17-29. <https://doi.org/10.22070/negareh.2017.483> [In Persian].
- Soltani Abri, M. S. , Zaahed, F. and Saqafi nejad, S. M. (2022). Rereading clergy's stances on the power transition from the Qajars to the Pahlavi dynasty. *Tārīkh-i Irān*, 15(1), 1-24. <https://doi.org/10.52547/irhj.15.1.1> [In Persian].



- Storey, J. (2009). *Inventing popular culture: From Folklore to Globalization*. John Wiley & Sons. https://books.google.de/books/about/Inventing_Popular_Culture.html?id=AvwyS1VJukQC&redir_esc=y
- Storey, J. (2010). *Culture and Power in Cultural Studies: the Politics of Signification*. Edinburgh University Press. <http://www.jstor.org/stable/10.3366/j.ctv2f4vh0z>
- Storey, J. (2015). *Cultural Theory and Popular Culture: an Introduction* (7th ed.). Pearson Education. <https://search.worldcat.org/title/Cultural-theory-and-popular-culture--an-introduction/oclc/963686695>
- Sultan al-Wa'izin Shirazi, M. (1969). *Sad Maqale-ye Soltani (Rahnamay-e Yahud va Nasara va Moslemin dar Marefat-e Tourat va Injil va Quran-e Majid)* [One hundred royal articles (A guide for Jews, Christians, and Muslims in understanding the Torah, Gospel, and Holy Quran)]. Ketabforoushi-ye Eslamiyeh. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/Soltan1348> [In Persian].
- Sultan al-Wa'izin Shirazi, M. (2015). *Shabha-ye Pishavar* [The nights of Peshawar]. Parr Publications. <http://www.parnashr.ir/Pishavar1394> [In Persian].
- Vámbéry, Á. (2008). *Siahat-e Darvishi Dorughindar Khanat-e Asiya-ye Miyaneh* [Travels of a fake dervish in the Khanates of Central Asia] (F. Khajenoorian, Trans.). Elmi va Farhangi Publications. <https://fa.wikinoor.ir/wiki/vambery1> [In Persian].
- Williams, R. (1998). The Analysis of culture. In J. Storey (Ed.), *Cultural Theory and Popular Culture: a Reader* (2th ed.) (pp. 48-56). The University of Georgia Press. <https://www.amherst.edu/media/view/88660/original/Williams+-+The+Analysis+of+Culture.pdf>
- Zemelman Merino, H. (2010). Sujeto y subjetividad: la problemática de las alternativas como construcción posible. *Polis, Revista Latinoamericana*, 9(27), 355-366. https://www.scielo.cl/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0718-65682010000300016
- Zemelman, H. (2005). *Voluntad de Conocer. El Sujeto y su Pensamiento en el Paradigma crítico*. Anthropos Editorial. <https://archive.org/details/zemelman-r.-voluntad-de-conocer.-el-sujeto-y-su-pensamiento-en-el-paradigma-critico/page/n1/mode/2up>